

# پیغام



جولای ۱۹۹۰

سال هشتم

شماره ۹۱۰

پیام بدیع

سال هشتم

شماره نود و یکم ( ۹۱ )

سنه ۱۴۷ بدیع

۱۹۹۰ میلادی

۱۳۶۹ شمسی

ماه جو

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مناجات
۲	لوح مبارک اصل کل الخیر لوح مبارک حضرت عبدالیهاء بمناسبت
۳	شهادت حضرت اعلی
۴	درباره ایران
۵	قسمتی از لوح حضرت ولی عزیز امرالله
۶	حقوق الله
۱۳	وفادردوستی با اشخاص
۱۶	خانواده بهائی
۱۹	درباب رديه‌ها
۲۱	ایجاد بنای صلح عمومی از نظر و دیدگاه دیانت بهایی
۲۵	برای من دعاکن قسمت شعر ( بمناسبت شهادت حضرت اعلی -
۲۹	یادشدهای شیراز )
	<b>قسمت جوانان</b>
۳۵	دلائل السع
۴۱	قصه عشق میرزا محمدعلی زنوزی
۴۵	بقیه شرح حال متصاعدالی الله امه الله الام . بیلی

بموانه

ای شمای دست افروز جمال مبارک، الحمد لله نور معارف روشید

در اکتساب فضائل در نهایت جد و جمت . مقبول در گاو جمال

بمانید و شیر خواران ثدی علوم و فنون در کتب تربیت . از خدا بخوایم

که چنین در علوم مهارت یابید که شیر آفاق گردید و سیر اهل اشراق

شوید . سبب عزت امراته گردید و مظهر الطاف جمال الهی شوید و علیکم

الهدای الابی .

ع ع

لوح مبارک اصل کل الخیر  
اصل الحب

هو اقبال العبد الى المحبوب والاعراض عما سواه ولا يكون مراده الا ما اراده مولاه .

THE ESSENCE OF LOVE IS FOR MAN TO TURN HIS HEART TO THE BELOVED ONE, AND SEVER HIMSELF FROM ALL ELSE BUT HIM AND DESIRE NAUGHT SAVE THAT WHICH IS THE DESIRE OF LORD.

the essence	جوهر	اصل
love	دوستی، عشق	الحب
to turn	رو آوردن، توجه کردن	اقبال
his heart	قلیش	
man	بندہ، شخص (مرد)	العبد
to	سوی، به	الى
beloved one	محبوب	المحبوب
sever	روگرداندن	الاعراض
himself	خودش	
from all else	از آنچه	عما (عن ما)
but him	غیر او	سواه
--	نمیباشد	لايكون
desire	آرزویش، خواسته اش	مراده
naught	هیچ، نه	
save that	جز اینکه، الا اینکه	الا
desire	خواسته است	اراد
which	آنچه که	ما
Lord	خدایش، مولایش	مولاه

لسوح مبارک حضرت عبدالیهاء بمناسبت شہادت حضرت اعلیٰ

هو الایہی

یا حضرت علی قیل اکبر پوم شہادت حضرت اعلیٰ روحی لدمسہ  
المطہر فداست ، | پوم پومی است کہ آفتاب حقیقت در پس  
سحاب عنایت رفت ، امروز روزیست کہ آن مه تابان افول نمود  
امروز روزیست کہ آن تن نازنین پاک در خاک و خون غلطیید ،  
امروز روزیست کہ آن سیتہ پی کینہ چون آئینہ از ہزار رصاص  
مشیک شد ، | امروز روزیست کہ آن سراج الہی از رجاج جسمانی  
انفکاک نمود ، امروز روزیست کہ نالہ ملائعہ اعلیٰ پلندہ است  
امروز روزیست کہ اہل ملکوت پا چہمی گریبان و قلابی سوزان در  
فرپاد و قعائسد .

## در باره ایران ارسالی جناب دکتر ذبیح الله عزیزی

### در بحبوحه انقلابات عظمت امرالله به اسباب غیبیه جلوه نمود

حضرت عبدالبهاء روح ما سواه فدا میفرمایند:

"از حوادث واقعه در آن صفحات محزون نگردید، مغموم نشوید، مطمئن  
بفضل و عنایت رب احدیه باشید که حافظ حقیقی است و جمیع امور  
درید قدرت او اسیر، حوادثی که در ایران واقع میشود یا در تمام  
جهان آشکار میگردد منتهی بنشر نجات است و اعلاء کلمه الله زیر  
عالم اکوان خادما مر حضرت رحمن است و وقایع ماضیه ملاحظه نمائید  
و دقت کنید که منتهی بچه شد و چه تا شکر کرد....."

از کتاب پیام آسمانی صفحه ۷

و حضرت ولی امرالله ارواحنا الفداء میفرمایند:

"هر چند تضییقات شدید است و موانع و مشاکل بی حد و شمار و تهدیدات  
دشمنان و دسائس اهریمنان متزاید و متتابع ولی بوسائل غیبیه  
این مشکلات عمده حل گردد و آنچه آمال اهل بهاست در آن سرزمین  
تحقق پذیرد. اراده الله غالب و کلمه اش نافذ و قدرتش قاهر  
و امرش مهمین بر کل بوده و هست و عنقریب ملاحظه خواهند نمود که  
تائیدات الهیه چه ظهور و بروزی در آن خطه مبارکه و اقلیم مقدس  
خواهد نمود."

از کتاب پیام آسمانی صفحه ۷

حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلی فرموده اند:

عنقریب است که اعلام قدرت الهی را در همه بلاد مرتفع بینی و آثار  
غلبه و سلطنت او را در جمیع دیا رظا هر مشا هده فرمائی  
خطاب حضرت عبدالبهاء بحتاب عزیزی در پاریس: در گوشه کتاب  
خود بنویسید:

جميع صفوف عالم شکست خوردہ ومیخورند چند سال تامل کنیدی یعنی نورانیت ظهور بھاء اللہ آفاق را احاطہ خواہد کرد .  
خاطرات جناب عزیزی از کتاب تاج و ہاج

حضرت ولی عزیز امر اللہ در لوح مبارک ۳۰ ک ۱۹۲۶ میفرماید :

... انشاء اللہ بتائیدات آلہیہ و ہدایت سماویہ پس از تاسیس بیت العدل اعظم و تشکیل اولین محکمہ شرعیہ بہائیان عالم این اراضی مجاورہ بر حسب شرع مبین و نص صریح بموقوفات امریہ تمامہ و کما لامحول و میدل گردد و بمرور ایام معاہدہ حلیلہ و انیسہ شاہقہ و قصور مشیدہ و حدائق بدیعہ در حوالی مقامات مقدسہ تعمیر و تشکیل و تاسیس گردد و نوایای رب عزیز با حسنہا و اکملہا در ارض مقدسہ حلوہ نماید و بر عزت و حشمت و شہرت امر اللہ بیفزاید و این عہد در وقت حاضر عالمنا بہ از یاران حانفشان کفیل و حافظ این اراضی مجاورہ و ضامن تحقق این امر خطیر است ..."  
ارسالی جناب ہادی رحمانی شیرازی

## سنت الہی

... خداوند عالم هیچ نبی را مبعوث نفرمودہ و هیچ کتابی را نازل نفرمودہ مگر از کلّ اخذ عہد از ایمان بہ ظہور بعد و کتاب بعد گرفتہ زیرا کہ از برای فیض او تعطیل و حلی نبودہ ...

"منتخبات آیات"

ص ۵۹ - ۶۰

## حقوق الله

از جناب دکتر جمشیدهاشمی زاده  
مهاجر عزیز ایرلند جنوبی

یاران عزیز:

در نیمه دوم نقشه شش ساله بیت العدل اعظم الهی هستیم. پایان این نقشه مصادف است با یکصدمین سال صعود حضرت بهاء الله صل اسمع الاعلی، در این مسیر جهان آستان حوادث عظیمه ای است که تاریخ شبهه آن را بخود ندیده است، این نقشه سر آغاز فصل نوینی در تکامل تدریجی امر مقدس بهائی است، در این زمان اصول اعتقادات اهل بهاء در انظار مقامات دولتی روسای کشورهای و دانشمندان و محققین مطرح عام و خاص است. در چنین زمانی بیت العدل اعظم الهی آن مرجع مصون از خطای برای تجهیز استعدادها و پرورش قوای مکنونه در عالم و احاطه یاران عزیز غرب براه حکام امر جمال مبارک دستوره ترجمه کتاب مستطاب اقدس ام کتاب به زبان انگلیسی دادند تا همه یاران بدون استثناء با احکام کتاب مستطاب اقدس آشنا شوند. یکی از احکام کتاب مستطاب اقدس که احبای عزیز ایرانی حتما و دقیقاً با آن آشنائی کامل دارند حکم محکم و مبهر "حقوق الله" است.

حقوق الله اصطلاحی عربی است که از دو کلمه حقوق (جمع حق) والله (خدا) تشکیل یافته است که در کل معنی حقوق خدا را بخود میگیرد که یک فرد بهائی سهمی از مایملک و در آمد خود را طبق شرایط خاصی تقدیم پروردگار مینماید. زیرا میدانند، ایمان و اعتقاد دارد که انتشار و ارتفاع امر الله منوط به اسباب مادی است و این فقط ما (احباء) هستیم که موظف به تهیه این وسایل مادیه میباشیم لا غیر ما بخوبی میدانیم که این حکم فضل است، موهبت است، رحمت است چنانچه حضرت بهاء الله میفرماید: قوله الاعلی

"یا اسمی انشاء الله کل موید شوند بر اداء حقوق اگر چه این حقوق مخصوص است به حق و لکن آنحاب میدانند چه مقدار از نفوس الیوم در اطراف به خدمت امر مشغولند و بر حسب ظاهرا موراثان معوق چون امور من عند الله با سیاب معلق شده لذا حکم اداء حقوق از سماء مشیت نازل و خیر این عمل به عاملین راجع" (۱)

در اینکه خداوند احتیاجی به این اتفاق ما ندارد حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

"ای یاران عبدالبهاء محض الطاف بی پایان حضرت یزدان به تعیین حقوق بر عباده خویش منت گذاشت و الاحق مستغنی از کاشنات بوده (۲) و نیز میفرمایند:

"ای یاران ربانی من این یقین و مسلم است که حضرت بیجسون در جمیع شئون بغنای مطلق موصوف و برحمت و اسعه مشهور و به فیض ابدی مالوف و بعطاء بر عالم وجود معروف ولی نظریه حکمت بالنفس و امتحانات فارقه تا آشنا از بیگانه امتیاز یابد حقوق را بر عباده خویش واجب و مفروض فرمود نفوسیکه اطاعت این امر مبرم نمودند به برکت آسمانی موفق و در دو جهان روی روشن و مشام از نسیم عنایت معطر گردند...." (۳)

حقوق الله از احکام مقدس کتاب بیان بوده که حضرت بهاء الله با تغییراتی آنرا قبول فرمودند و اجرایش را بر بندگانش فرض و واجب شمردند.

حقوق الله حکمی نیست که با خیر و فشا را صورت پذیرد بلکه وظیفه ای است روحانی که دقیقاً متکی بر شور، عشق، هیجان، انجذاب و وغانی مومن است که آرزو دارد به آنچه مولایش، محبوبش معبودش اراده فرموده عامل شود و خود را بنده ای مطیع، قانع و فرمانبردار نشان دهد. در این امر محکم و مبرم تردید، تهدید، زور، ملال، ارباب و واژه هائی شبیه آن راهی ندارد. انحامش اطاعت است، نهایت عشق و ایمان ایثار و فداکاری و وفایه عهد و میثاقی است که با

خدای خودیسته است . پس باید در انجام آن بر یکدیگر سبقت بگیریم .  
وقتی یک فرد بهائی که خود را منتسب به حضرت بهاء الله و متعلق به  
موطن جمال مبارک میدانند ، میدانند که مولایش میفرماید " بگوای قوم  
اول امر عرفان حق جل جلاله و آخر آن استقامت و بعد تطهیر مال و  
عند القوم بما امر الله بوده .... " (۴)

در اجرای احکام کتاب مستطاب اقدس مثل حقوق الله حکمت های  
بالغه ای وجود دارد که عقل و علم ناقص بشری قادر به تفهیم و تجزیه  
و درک آن نبوده و نیست ولی انجام آن دلیلی بر عشق ، انقطاع ، ثبوت  
و رسوخ بر عهد و میثاق است در انسان کیفیتی را بر وجود میآورد که  
او را روحانی میکند و بسوی کمال معنوی سوق میدهد تبرعی است که  
تلاشهای مادی را اعتدال میبخشد حالتی را بوجود میآورد که انسان  
را از زیاده خواهی ، زیاده روی ، افراط و تفریط که زائیده طبیعت  
بشری است خواه و ناخواه او را از ارزشهای معنوی دور میسازد دلبست  
گیری میکند ، زیرا آدمی را دو جنبه متضاد که دو جهت مخالف یکدیگر  
حرکت میکنند تشکیل میدهد یکی نیروی مادی است و دیگری نیروی  
روحانی یا معنوی ، نیروی مادی که از جنبه جسمانی انسان مایه  
میگیرد او را به محیط فیزیکی اطراف خویش که بینهایت پر قدرت و  
پرجاذبه و گیر است وصل میکند ، انسان را فریفته ارزشهای مادی  
میکند و ناخود آگاه شیفته یک مشت آهن پاره ، چوب ، و گل مینماید  
این تلاش مادی لازم است اما در حد اعتدال و احتیاج منطقی چه اگر  
از این حد اعتدال خارج شد مال و ثروت که در حکم وسیله است هسدف  
نهائی قرار میگیرد و تظاهرات آن بصورت خود خواهی ، کبر ، غرور  
و وابستگی های شدید نمایان میگردد و انسان را اسیر ، زنجیر بند  
زمینی ، بیچاره و بدبخت میکند . تعلق به شئون این دنیای فانی  
تا آنجا لازم است که مانع عبودیت آستان الهی نگردد که اما جنبه  
دیگر آدمی که یک کیفیت روحانی ، ملکوتی و آسمانی است صفا بخش  
روح است ، نورا است ، تکامل است انسان را ملکوتی و روحانی

میکند، آدمی را از آنچه در روی زمین است منقطع میسازد و از هر قید و بندی آزاد میکند، در انسان حالتی بوجود میآورد که از مرحله تعاون و تعاوض و انفاق و انقطاع گذشته به آنجا میرساند که دیگری را بر خود ترجیح میدهد (مواسات) و در نهایت او را بهائی میکند. این حقوق الهی است. این تیرعی است، این انفاق است که متعادل کننده این دنیوی متضاد مییابد، اگر خدای ناکرده بهر علت خود را از این نیروی متعادل کننده محروم سازیم معلوم است چه بلائی بر سرمان خواهد آمد قدر مسلم انسان اصلیت واقعی خود را از دست خواهد داد و موجودی خواهد شد اسیر طبیعت و شیفته رنگ و بوی آن عمرش تلف خواهد شد و با خستگی حاصل از سنگینی بار بی حاصل این دنیای فانی عالم را وداع خواهد کرد. همانطوریکه ذکر شد در کتب این قوانین الهی سرها بی نهنفته است چنانچه حضرت بهاء الله میفرماید: " یا زین نفوسیکه بحکم کتاب عالمند اعلی الخلق مذکورندشکی نبوده و نیست که آنچه از افاق سماء امر الهی اشراق مینماید محض حکمت و مصلحت خود عباد است و این وجوهات جزئییه هم لایق ذکر نه و لکن چون عامل لوجه الله عمل مینماید محبوب است اگر یک حبه باشد اکلیل خرمنهای عالم است " (۵)

و در لوحی میفرماید: "..... این حقوق که ذکر شد. و از افاق لوح الهی حکم آن اشراق نموده نفع آن به خود عباد راجع است لعمر الله اگر مطلع شوند و آگاه گردند از بحر فضل که در این حکم مکنون است جمیع ناس آنچه را که مال کنند در سبیل ذکرش انفساق نمایند"

آیا منطقی است و یا صلاح است که در این مقطع زمانی با توجه به آنچه حق درباره جهان و آینده آن انداز فرموده و باید در نظر گرفتن این که در این زمان وسایل مادی بسیار برای پیشرفت امر حمال مبارک لازم است خدای ناکرده به اسراف زندگی کنیم و منازلی و یا وسایلی بخریم و یا بسازیم و آنرا بیش از حد احتیاج مجهز کنیم و این مخارج

را چنان توحیه نمائیم تا از پرداخت حقوق الله مثلًا معاف گردیم .  
بیت العدل اعظم الہی مفرماینند : "بہائی مومنی کہ منقبت  
پرداخت حقوق اللہ را دارد بہ حای آنکہ در ظفرہ از این وظیفہ  
روحانیہ عذری بتراشد برعکس حتی المقدور در احرای آن پیشقدم  
میگردد" (۶)

و نیز میفرماینند : "احیای ایران جون یاران قدیمند از شدت  
تعلق خاطر با ننان حقوق قبول میشود باید از این جهت بسیار مسرور  
باشند کہ بہ چنین موہبتی مخصصند" . (۷)

ما احیاء بخوبی میدانیم کہ "ادای حقوق برکل واحب و نفع آن بہ  
نفس عباد راجع و لکن قبول آن معلق است بہ روح و ریحان و رضای  
نفوس عادلہ عاملہ در این صورت اخذ حایز و الافلان ربک ہوا الفنی  
الحمید" . (۸)

ادای حقوق اللہ نوعی فداکاری یا انفاق نیست حکم منصوص است  
قانون الہی است ، فرمان است چون نماز ، روزہ کہ از فرائض و  
واحیات عقیدتی اہل بہاست احرایش انجام وظیفہ و غفلت در آن  
گناہ است ، عدم احرای آن در حکم خیانت در مالی است کہ حق آنرا  
بما سپردہ و ما را بہ تادبہ آن مکلف فرمودہ .

فرق است بین تادبہ حقوق اللہ و تقدیم تبرعات جناحہ میفرماینند :  
".... احسن و اولی آنکہ این دو حساب یعنی ترع و حقوق اللہ را از  
ہم تفکیک نمودہ یعنی ابتداء حقوق اللہ تادبہ شود و سپس تبرعات  
خالمانہ" . (۹)

ما احیاء ایرانی بخوبی واقفیم و آگاہ و در این مسہرا متحانات سی  
شمار دادہ ایم ، دیدیم ، خواندیم و شنیدیم کہ غفلت در این امر محکم  
و میرم حقوق اللہ چہ مضرتی برای خود و خانوادہ مان بہ ہمراہ  
داستہ است ، حال چہ باید کرد ؟ بیت العدل اعظم الہی میفرماینند :  
"بیت العدل اعظم از ہموطنان حمال اقدس الہی انتظار دارند و  
مشتاقانہ میدوارند حال کہ مشیت الہی آن عزیزان را از ورطہ بلا

رهائی بخشیده و در وادی ایمن مستقر فرموده با قیامی که سزاوار  
و شایسته قدمت و منزلت روحانی آنان است مشعل هدایت را در  
آفاق غربیه برافروزند و در صف مقدم حنود حیات به پیش تازند و با  
فداکاری بی مثیل و انفاق توأم با انقطاع اجرای نقشه های  
الهی را مددویاری دهند."

هر قدر آثار عظمت و غلبه و انتصارات شریعت رحمانیه بیشتر در جهان  
ظا هر گردد و موسسات امریه از دیا دیا فته و استحکام پذیرد مخارج  
و مصارف اجرائات عظیمه سریعاً افزایش یابد و به ناچار انفاق و  
بذل مال و فداکاری یاران را در این سبیل نه برای یکبار بلکه  
بطور مداوم و مستمر بیش از پیش ایجاب مینماید.

هر چند ادای حقوق الله فرض است ولی کسی آن را از ما مطالبه نمی  
کند این وجدان آگاه ما است که باید نهیب بزند و ما را در اجرای این  
امر محکم و مبرم بردیگری سبقت بدهد پس چه نیکوست که به زندگی خود  
اعتدال ببخشیم، احتیاجات مادی خود را بر اساس نیازهای زمانی  
امر جمال مبارک منطبق سازیم و به کم قانع باشیم و به برطرف کردن  
حوائج امر الله بپردازیم، مصالح امر را بر مصالح شخصی ترجیح  
دهیم و در اولین فرصت اگر حساب کردیم که مستحق اجرای این حکم  
الهی هستیم فوراً، بلا درنگ و بدون تردید به امین حقوق الله  
مراجعه کنیم و در مورد نحوه پرداخت و محاسبه و دیگر جزئیات آن حویا  
شویم و به ندای حق لبیک گفته که ما به آنچه عهد کردیم پای بند هستیم  
حضرت بهاء الله میفرماید: "یا سمندر چه مقدار از نفوس که بسه  
کمال سعی و اجتهاد مثنی از زخارف جمع مینمایند و کمال فرح و  
شادی را از جمع آن دارند و لکن در باطن از قلم اعلیٰ بدیگـران  
محول شده یعنی نصیب خود ایشان نیست بسا میشود که به اعدای آن  
نفوس میرسد.... عمر تلف شد و شب و روز زحمت کشیده شد و مال هم  
سبب و مال گشت اکثر اموال ناس ظاهرنیست اگر ناس بما انزله  
الله عامل باشند البته عنایت حق آن نفوس را محروم نگذارد در هر

حال فضلش مراقب و رحمتش متوجه خواهد بود" (۱۰) انتہی

- ۱- مجموعه ای از نصوص مبارکه و دستخط های بیت العظم الهی درباره حقوق الله تہیہ و تنظیم دائرہ مطالعہ نصوص والواح مرکز جهانی بہائی می ۱۹۸۴ چاپ دوم ص ۱۴ قسمت ۳۳
- ۲- الواح وصایای حضرت عبدالبہاء
- ۳- ماخذ (۱) ص ۲۵ قسمت ۲
- ۴- ماخذ (۱)
- ۵- ماخذ (۱) ص ۲ قسمت ۵
- ۶- ماخذ (۱) ص ۳۷ قسمت ۹
- ۷- ماخذ (۱) ص ۲۸ قسمت ۱۴
- ۸- ماخذ (۱) ص ۲ قسمت ۴
- ۹- دستخط بیت العدل اعظم الهی مورخ ۱۸ شہر الکمال ۱۲۲ بدیع ۱۸ اوت ۱۹۶۵
- ۱۰- ماخذ (۱) ص ۱۸ قسمت ۴۷

HUQUQU'LLAH

حقوق اللہ

از دوستان عزیز مستغی است کہ تقدیمی های حقوق اللہ را  
در وجه Baha'i Huququ'llah Trust بہ نشانی یکی از  
اعضای حقوق اللہ ارسال فرمایند.

Dr. Amin Banani  
2320 Alta Avenue  
Santa Monica, CA. 90402

Dr. Elsie Austin  
P.O. Box 927  
Silver Spring, MD. 20910

Dr. Daryush Haghghi  
21300 Avalon Drive  
Rocky River, OH. 44116

## وفا در دوستی با اشخاص از جناب هوشنگ گهرریز

بگذاروفا را به دو عالم نفروشیم هر چند در این عهد خریدار ندارد یکی از کمالات روحانی و فضائل انسانی وفاداری با اشخاص و رعایت تعهدات اخلاقی نسبت به افراد است در آثار بهائی و تعالیم الهی در باره مفهوم واقعی این خصلت پسندیده آیات والواحی چند از قلم شارع و مبین این آئین نازنین عز نزول یافته که چون در بحر زخار اینگونه معارف امری خوض و غوض نمائیم چه گهرها که بر ساحل وجود ریزیم و چه در و مرجان که نصیب بریم .

حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس که ام الكتاب دور بهائی است میفرماید :

"زینوا رؤسکم با کلیل الامانه والوفاء وقلوبکم برداء التقوی و السنکم بالصدق الخالص وهیا کلکم بظرا لادب کل ذلک من سجه الانسان لو انتم من المتبصرین" (۱)

و مبین منصوص آیات الله حضرت عبدالبهاء میفرماید :

"نفوسیکه رائحه محبت حامل مبارک در شما مدارند از هیچ نفحه ای جز رائحه گلشن وفا استنشاق ننمایند" (۲)

صفت وفاداری حق شناسی انسان نسبت به تعهداتی است که به عقاید و دوستی و قول و قرارهایی که با اشخاص چه در معاشرتهای متقابل و چه در معاملات برعهده خود میگیرد در اینگونه قرارها انسان موظف است که بقول خود عمل کرده عملابه تعهدات خود احترام گذارده پای بنده ادای حق وفاداری باشد .

بدون شک صفت وفاداری از آثار ایمان بوده و اشخاص مومن وفادار بوده اند همه ما حکایت نعمان بن منذر را میدانیم که چون در حال مستی فرمان به کشتن دوندیم خود داد از کرده خویش پشیمان شده آنروز را در سال البوس نامید و هر کس بر او وارد میگشت بقتل مسی

رساند . شخص عربی بنام حنظه که زمانی نعمان را در بیابان کمک نموده و محبت و میهمانی نوازی کرده بود در آن روز به بارگاه او وارد شد و چون به پاس خدمتی که با او کرده نمیخواست او را یکشده بقید ضمانت او را آزاد نمود تا به محل خود رفته از اقوام و بستگانش خدا حافظی کند سال دیگر چون به محل موعود در پیشگاه نعمان حاضر گشت بآعش تعجب شخص سلطان و درباریان گشت پادشاه از او سؤال نمود که چه شده که تو آمدی ؟ حنظه در جواب گفت برای آنکه نگویند صفت و فای از عالم محو شده و با این عمل وفاداری به تعهد خود باعث شده که مورد عفو سلطان قرار گرفته و همگی را بیدانست مسیحی مومن کرده حمیع را از رسم بت پرستی نجات داد .

بهمین سبب است که جمال اقدس ایهبی در کتاب اقدس میفرمایند :  
 "کن فی الوعد و فیما " و "کن فی العہد قائما " و "والذی و فی  
 بالوعد انہ امن من الوعد " و نیز در همان سفر تحلیل میفرمایند :  
 "زینو روسکم با کللیل الامانہ والوفا " (۳)

از نظر شخص بهائی وفای به تعهد فردی و اجتماعی کمال اهمیت را داراست و این صفت قدسیه حائز کمالات انسانی و علویت فضائل و سبب نورانیت و تقرب به بارگاه سبحانی است .

حضرت عبدالبہاء در باره مقام موشان وفا میفرمایند :

"در عالم وجود امری اعظم از وفا نیست که طول مدت سبب فرا موشی و اخلاص در محبت نشود . ملاحظہ نمائید در ایران آن نفوس مبارک کہ چقدر با وفا بودند کہ در زیر شمشیر جمال مبارک را یاد نمودند و ہیچ ستم و بلائی آنها را از وفا منع نکرد و در قربانگاہ فریاد بھاء الایہی ازل و جان برآوردند اینست شان وفا " (۴)

و در مقامی دیگر این داستان را برای احیای غرب بیان فرمودند :  
 "در ایران بدرجہای نفوس فدائی یکدیگر بودند کہ یکی از بہائیان مہمان بہائی دیگر بود و چون حکومت آن مہمان بہائی را خواست دستگیر نماید مہماندا را خود را با اسم مہمان تسلیم حکومت نمود و بحای

شهید شد و فدای میهمان و برادر خویش گردید" (۵)

بنا بر این اگر شخصی با دوستان خویش با وفا بوده و در نیک و بسند و سختی و راحتی او خود را سهم و شریک داند و در مشکلات او را مدد نموده با او کمک و مساعدت نماید شرط وفا بجا آورده شئون و اعتبار خویش را در جامعه بالا میبرد و باعث جلب احترام دیگران میگردد این صفت علاوه بر اینکه شایسته انسان است در بعضی از حیوانات مانند سگ دیده میشود که صاحب خود در مقابل محبتی که از او دیده و فسادار مانده و سالیان در از به و لینعمت خود وفا دار باقی میمانند مرکز میثاق بهادر سفر شیگا غوم میفرمایند :

"آن نفوس را می بینید که چقدر سگ خود را دوست میدارند چرا بسجتهت وفای او که محافظه ما حبش نمایند پس اگر صفت نیک سگ را عزیز مسی کند چرا انسان را عزیز نکند" (۶)

سعدی علیه الرحمه در گلستان میفرماید :

«احل کائنات از روی ظاهر آدمی است و اذل موجودات سگ و با توافق خردمندان سگ با وفا شناس به از آدمی بی وفا و ناسپاس»

### منابع و ماخذ

۸۴	صفحه	۱- کتاب اقدس
۱۰۷	"	۲- گلزار تعالیم بهائی
۱۲۳	"	۳- حیات بهائی
۲۰۶	"	۴- سفرنامه جلد ۱
۲۵۲	"	۵- سفرنامه جلد ۱
۲۴۴	"	۶- سفرنامه جلد ۱ ؟



## خانواده بهائی از جناب دکتر م. مشرف زاده

بتدریج که اطفال در خانواده رشد میکنند کودکان بزرگتر به وسایل و لوازم جدیدی به حسب ضرورت سن احتیاج دارند که کوچکترها هنوز مورد احتیاجشان نیست و در ذهن کوچک آنان ممکن است فکرتبعیض پیش بیاید و برعهده پدر و مادر است که با حوصله و صرف وقت به کودک خود بفهمانند که چون او بزرگتر است فقط عامل سن باعث تهیه فلان وسیله برای او شده . بهم چنین در مردی اختلاف احتیاج دختر و پسر باعث خرید و تهیه وسیله ای برای یکی از آنان میشود یا بدین صبر و حوصله بدیگری فهمانند که عامل طبیعی جنس باعث خرید این مایلزم گردیده نه این که با اهمیت بیشتری داده اند .

در بعضی خانواده ها رسم بر این است که وسایل بازی و حتی لباس و سایر ملزومات بچه های بزرگتر را وقتی که دیگر مورد احتیاجشان نیست به بچه های کوچک تر میدهند ، این روش ناصحیح بوده و باعث ضربه و لطمه روحی بزرگی بفرزندان کوچک تر میشود . اگر وضع مادی خانواده اجازه میدهد یا بستی حتما برای کوچکترها هم وسیله نو خرید و اگر اجازه نمیدهد بهتر است وسیله مستعمل را فروخته و با پول آن وسیله نو خریداری نمائیم و اگر فی الواقع چنین اقدامی هم از لحاظ مالی میسر نیست ، آن وقت با بستی یا محبت و صبر و حوصله بکودک بفهمانیم که فقط عامل اقتصادی و محدودیت توانائی مادی باعث چنین اقدامی می شده نه چیز دیگر .

یکی از دوستان صمیمی بنده که فرزند دوم خانواده بود با وجودی که وضع مالی آنها نیز همواره خوب بوده میگفت من همیشه فرزند بزرگتر از خود را دشمن خود میدانستم زیرا وجود او باعث میشده که در تمام دوران کودکی وسایل بازی و دوچرخه و لباس و حتی کتساب کهنه داشته باشم . در مورد کتاب و وسایل تحصیلی مسئله نبودن خیلی مهم است زیرا کتاب نو وسیله خوبی برای تشویق کودک بـمـدرس

ومشق میباشد .

نکته مهم دیگر آن است که استعدادات اطفال در فطرت متفاوت است بعضی ها در آموختن دروس استعداد سرشار دارند بعضی ها متوسطند و بعضی ها کند ، پدر و مادر نباید بچه‌هایی را که استعداد کم دارند تحقیر و سرزنش نمایند ، سرکوفت دادن بفرزندان کم استعداد و گفتن این که ای کاش یک موی فلان طفل بسرتو بود بزرگترین گناه است و باعث خمودت و جمودت رشد فکری و عقلی کودک میشود بلکه پدر و مادر فهمیده و عاقل باید او را با تشویق و راهنمایی و محبت و مهربانی و اداری کوشش و حدیث بیشتر در دروس بنمایند تا شاید با پشتکار چیران کمی استعداد او بشود و اگر فی الواقع نواقص کلی در کار است بایستی با کمک متخصصین نوع استعداد او را تعیین و در همان رشته او را وادار به تحصیل و پیشرفت نمود ، در این دنیای بزرگ هیچکس نیست که یکلی بی استعداد باشد ، خداوند منان در نهاد هر کسی استعدادی را بودیع گذاشته است و مهم آن است که نوع استعداد را بایستی جستجو و دریافته و بوسیله تعلیم و تربیت صحیح آن را پرورش داد .

حضرت عبدالیهاء میفرمایند :

" اصل تفاوت فطرت مسلم و میرهن و فضلنا بعضکم علی بعض قضیه‌ای محتوم ، البته نفوس بشر در اصل فطرت مختلفند اگر اطفال معدود از یک پدر و مادر در مکتب واحد بتعلیم و احادیث و غذا و احادیث و طعام واحد پرورش یابند بعضی بنهایت علم و درایت رسند و بعضی متوسط باشند و بعضی تعلیم نگیرند . پس معلوم شد که تفاوت در بین بشر از تفاوت مراتب خلقت است و همچنین تعلیم و تربیت را نیز تا تئیری عظیم مسلم و مقرر " .

(نقل از جزوه منتخبی از آثار مبارکه درباره تعلیم و

تربیت ص ۳۳)

باز میفرمایند :

"تربیت گوهر انسانی را تبدیل نکند و لکن تا شیرکلی نماید و بقوه نافذ آنچه در حقیقت انسان از کمالات و استعداد مندمج و مندرج بعرضه ظهور آورد".

(انقل از جزوه فوق ص ۳۸)

### تنظیم بودجه خانواده

در خانواده‌های سنتی ایرانی این امر صرفاً بعهده پدراست و است که منشاء درآمد مادی خانواده بوده و آنرا بهر طریق که صلاح بدانند خرج میکند. سایر افراد خانواده چشمشان بدست او است و تمام احتیاجات خود را با اوستی یا او در میان بگذارند. بعضی پدرها نیز مبلغی را بعنوان خرجی روزانه یا ماهیانه در اختیار همسر خود قرار می دهند که وسایل ضروری زندگی را تأمین نماید در خانواده‌های غربی مخصوصاً آمریکائی قضیه بکلی برعکس است بدین معنی که مرد در آمد خود را صرفاً در اختیار همسر خود قرار داده و تمام ارتق و فتق امور زندگی بعهده زن است و حتی بعضی مردها پول حیبی خود را روزانه از همسر خود میگیرند.

ادامه دارد



## در باب رویه‌ها علیه امر الله ارسالی جناب عباس ثابت

حضرت عبدالبهاء در لوح (جناب ابن اصوق) میفرمایند:

در خصوص صفی علیشاه چون از طهران بعضی از احوای الهی مرقوم  
نموده بودند که مریدان او این رویه را گرفتند در محافل و مجالس  
افتخار مینمایند و استهزاء یا مرمیکنند و اصرار نمودند که حوابی  
مرقوم گردد.

جناب میرزا حسین شیرازی مختصر چیزی مرقوم داشت. شما مسی  
دانید این عبداً اینگونه کلمات رویه را سب اعلاء میدانم علی‌الخصوص  
از نفوسیکه ملتفت عبارات لفظیه نیز نباشند. روانچه از این  
قبیل است هر چه بیشتر بهتر. منکرین و رادین اول منادی حق  
هستند. مثل رویه این اشیم مرقوم نموده، این قبیل نفوس  
اهمیتی نداشته و ندارند. عنقریب ملاحظه خواهید نمود که نفوس  
سیار مهمی از شرق و غرب صحائف عظیمه بر رد نوشته و نعره زنان  
فریادکنند. چه که عظمت امر آنچه بیشتر ظاهراً هر شود معرضین و  
منکرین و رادین عظیمتر و کثیرتر گردد و کل سب اعلاء کلمه الله  
است. شما دعانمائید که خدا از این قبیل رادین بسیار خلق  
فرماید، چه که خیلی مفید است.

(مآئده آسمانی ج. ۵ ص ۱۷۱-۱۷۲)

در باب کتاب زعیم الدوله بنام (مفتاح باب الایواب)

حضرت عبدالبهاء خطاب بیکی از احواء میفرمایند:

"..... حال نیز کتاب جدید هر قسم نگار در ضرری بماند و دولسی  
عاقبت سبب پشیمانی خود او شود. ما مظهر عسی ان تکرهوا شیئا  
وهو خیر لکم و ایشان مظهر عسی ان تحبوشئا و هو شر لکم، یعنی  
نشریات ایشان بجهت ما مفید و از برای ایشان ضری شدید. چه  
ضرری! عظم از اینکه در شرق و غرب عالم نفوسی موجود استایش این

امر نمایند . معلوم است که آنان باین کتاب چگونه نظر نمایند . اگر خود ز عیم الدوله بخواهد تالیفش را در مستقبل اهمیت بی باشد بهتر آنست که طریق صواب رود و حقیقت حال را منصفانه بیان نماید مانند مرحوم سپهر ، بعد از اینکه در تاریخ (ناسخ التواریخ) خویش باشنع تعبیرات واقبح عبارات از این امر بنگاشت ، قبیل از فوتش ، بحسب روایات موکده رساله ای مرقوم نموده و از تاریخ این امر ذکر کرده و نگاشته که آنچه در تاریخ کبیر نوشته! منظر به مقتضیات زمانه و احبار از خویش بیگانه بود . لهذا مجبورم که حقیقت واقع را بنگارم تا من بعد مورخین در تاریخ من نکته نگیرند و مرادش — من حقیقت نشمرند . آن رساله الان موجود ولی هنوز زمان مقتضی نشر آن نیست عنقریب زمان انتشار آید . او خود را باین عنوان از عقاب اهل حقیقت نجات داد . . . . . انتھی

(از مائده آسمانی ج . ۵ ص ۱۵۷-۱۵۸)

ایادگار طلوع عهد کیمیا  
 از خیمه روز خوشتر بگردان خدایا

ایجادینای صلح عمومی از نظر دیدگاه دیانت بهایی

۱ مجله بهایی نیوز شماره جون ۱۹۸۹ )

نوشته جناب کن فرانسیسکو      ترجمه جناب عطا آگاه

### " وعده صلح "

بغیر از راهنمایی های معنوی و راه و رسم صحیح رفتار و زندگی که همیشه مذاهب مختلف برای ابناء بشر فراهم نموده اند ، یک بشارت و وعده همیشگی و قدیمی نیز وجود دارد . این وعده در هر زمان و در هر گوشه و قسمتی از دنیا برای تمام ابناء بشر داده شده . تمام مذاهب دنیا ، تمام افراد و قبائل به انتظار وقوع این وعده و امید هستند .

این وعده و پیمان با وجودیکه چنان قدیمی است که شروع آن در غبار تاریکی های تاریخ پنهان و نهفته است ، باز آنقدر تازه است که شامل زندگی امروز و فردای همه ما است .

عهد و بشارت بنابه گفته ۱ ISAIAH پیغمبر عهد عتیق بنابه گفته انجیل چنین است :

" آنها شمشیرهای خود را به گاو آهن و سرنیزه خود را به داس

برای درو تبدیل خواهند نمود . ملت ها دیگر شمشیرهای خود

را بر علیه یکدیگر بلند نخواهند کرد و دیگر بفر جنگ و خونریزی

نخواهند بود ."

این وعده و بشارت حتی در داستانهای محلی اسکیموها باین صورت جلوه کرده : دلیل ادامه زندگی ما برای طلوع روز جدیدی است که نور و صفا تمام جهان را در بر خواهد گرفت .

یادآوری این وعده و بشارت در دعا و پیشگوئی حضرت مسیح نیز

چنین بیان شده : " سلطنت ملکوتی بظهور خواهد پیوست و در

زمین همان خواهد شد که در ملکوت خداوندی است ."

شاعر معروف والت ویتمن (۱۸۹۲-۱۸۱۹) چنین گفته : شاید در

نظر اول ما اراده خداوندی را درک نکنیم ولی این دنیای وسیع و گسترده بوسیله ارتباطاتی بهم نزدیک و وابسته خواهد شد مردم بصورت برادر و خواهر در خواهند آمد. نژادها و مردم مختلف همسایه شده با هم ازدواج خواهند نمود اقیانوس‌ها طی شده و فاصله‌ها بهم نزدیک خواهد شد و سرزمینها بهم پیوسته و قرین خواهند گشت .

همچنین لرد تنیسون (1802 - 1892) Lord Tennyson چنین مینویسد: " وقتی به آینه مینگریم تا آنجا که چشم بشر قادر به دیدن است من انوار مشیت الهی را می بینم با تمام کرامات و معجزات خود . من دنیای بهشت آمیزی می بینم که کشتی‌ها پراز نعمتها در دریاها در حرکتند ، نسیم آزادی میوزد و صدای طبل جنگ دیگر بگوش نمیرسد . پرچمهای جنگی پیچیده شده و یک پارلمان دنیایی بوجود آمده ، حکومت عمومی برپا و یک دنیای آرام و مرفه تحت قوانین عمومی به زندگی ادامه میدهد ."

جامعه‌هایی چنین عقیده دارند که این روز بشارت و وعده بالاخره فرا رسیده و بشریت از دوره طفولیت و کودکی گذشته بدنای رشد و تکامل قدم برمیدارد . بشریت بنظر دیانت‌بهایی به آستانه بارگاهی رسیده که در عظمت و گسترش آن و امکانات نامتناهی قرار گرفته و زمانی رسیده که مقام و مرتبه آدمیت چنان که سعدی گفته بدرجای رسیده خواهد رسید که جز خدا نداند .

با توجه به مشکلات و نامایماتی که این قرن را به خرابی و اضمحلال نزدیک کرده حضرت بهاء الله در قرن پیش میفرماید :  
" من خدا را به شهادت میگیرم که روز موعود فرا رسیده ، روزی که آزمایش‌های تلخ و دردناک زندگی در بالای سرما و در زیر پلای مافریاد میزند ؛ اینست نتیجه آنچه خود ایجاد نمودید

روزی که شعله‌های این تمدن فعلی شهرها را دربرگرفته ،  
ندای آسمانی بلند و هشدار خواهد داد که سلطنت خداوندی  
پابرجا خواهد شد . خدائی که توانا و بزرگوار است ."  
و در جای دیگر ادامه میدهد :

پایه و اساس خلقت شناسایی عظمت و جلال کبریائی است  
روزی که مقدس‌ترین روزهاست و روزی که بنام روز خدا  
در تمام کتب آسمانی و از زبان تمام برگزیدگان خدا به  
آن اشاره شده ، شاهد آن خواهیم بود . این روزی است  
که عنایات عالی‌ه خداوندی نصیب‌بندگان او شده و روزی  
که زیبایی و جاه و جلال خداوندی در همه موجودات خودنمایی  
خواهد کرد . بزرگ‌تر و بالاتر از تصور و خیال روزی است که  
هدف و اساس خلقت و عظمت و جلال کبریائی درک خواهد شد .  
تمام اصطکاک عقاید و افکار و همچنین تسلیحات جنگ -  
افزارها تیکه همه را به لرزه و وحشت انداخته بنظر ما خود  
یک وسیله و آلتی است که در نتیجه اراده قادر متعال باعث  
این خواهد شد که بشر از خواب غفلت بیدار شده و بخود آید .  
بنظر ما تمام مشکلات و اختلافات که بشر را در این قرن بخود  
مشغول داشته مانده ضربه و فشاری است که آدمیت را بخود  
آورده و مانند درد و ناراحتی است که نتیجه آن تولد نوزاد  
جدید است . به بهائیان گفته شده موعیکه این قرن  
نزدیک به آخر رسیدن است صلح عمومی پایه و اساس گرفته  
و بنا به گفته بهاء الله این قرن قرن روشنائی و حیات  
است .

این پیام بوسیله حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۱۲ در نیویورک  
جائیکه نیم قرن بعد مرکز جامعه ملل شد یادآوری شده ؛  
این قرن ، قرن تازه و قرن برادری انباء بشر است ، قرن  
صلح عمومی و قرن درخشندگی است .

ما ممکن است بنا و ایجاد صلح عمومی را در نظر خود مجسم کنیم و ببینیم آزاد ساختن منابع طبیعی و ملی کشورها بعضی ایجا دستسلیحات چگونه میتواند یک شبه تمام افراد بشر را غذا و لباس و مکان داده تعلیم و تربیت نموده و مردان و زنان و فرزندانشان کره خاک را سعادتمند و راحت کند. تصور کنید چگونه مهندسیین و دانشمندان ممالک مختلفه دنیا که هر کدام جداگانه و مستقلا برای ایجاد وسائل خرابی و کشتناریکدیگر سعی و کوشش میکردند حال با هم - آهنگی و اتحاد و سعی و کوشش همه حائیه ، این افکار و مغزهای متفکر برای حل مشکلات عمومی و رهائی از امراض و ناخوشیها و حل مشکلاتی که بشر را در طول تاریخ رنج و عذاب داده اقدام کنند. تصور کنید چگونه علوم و اختراعاتی که حتی امروز وجود ندارد در سایه این همفکری عمومی ایجاد و بجائی خواهد رسید که حتی امروزه در قوه تخیل و فکر ما نیست اما دست بشریت وقتی قدم در راه سفر به دنیای آتیه گذاشت همه ماها به آن دست غیبی که ما را در این سفر هدایت فرموده آشنا باشیم و یا خبر باشیم و او را بشناسیم.

زمانی گذشته و خیلی دور روزی مردی در یک نقطه ای از این زمین پهنا و رایستاده و بانگاهی به اطراف از خود پرسید: من که هستم؟ و برای چه آمده ام؟ و در اینجا چه میکنم؟ بعنوان یک سهایی ما امیدواریم و میدانیم بزودی روزی خواهد رسید که جواب این سوال کا ملاروشن و واضح خواهد شد.

پایان



## برای من دعاکن

از: امة الله خانم مهندس سیمین شبانی (شکوهی)

ای یاران معنوی ، ای پاک پاکان ، ای همراه هم آرائی که مهر بهاء را در دل و جان عجین داری و قلب جوان آئینه ات از پرتو شمع فروزانش همواره تابناک است

برای من دعاکن

ای هماندیش ، بدان زمان که آسمانها از کران تا کران رنگ می گیرند و رنگ میا ز بند و گوهریان صبح شیق شبانه را با نقره سحرگاهان درهم می آمیزند تا به پیشگاه خورشید هدیه برند و با مداد آن که نسیم عنایت از مشرق لامکان بر تو مرور میکند و صرف جمال در سراق بسی مثال برعرش جلال مستوی می گردد و محبوب عالمیان از فضای قدس قرب رضوان ترا بخود میخواند تا چشم از جمیع ماسوی بر بندی و به ملکوت ابهی دیده برگشائی و هر چه خواهی از او خواهی و آنچه طلبی از او طلبی

برای من دعاکن

ای همراز ، آنگاه که دستهایت را در تابناک نیمروز بطلب می گشائی و یا بدان هنگام که در زوال روشنائی هابه "یا بهاء الابهی" توسط می خوئی و آسمان وجودت را نو باران میکنی و آن زمان که به نیاز در دل شب بر قیله گاه معبود سجده میبری

بیاد من باش

ای مهربان ، در بر خاستن و نشستن خورشید و در شکفتن و نهفتن ستارگان و بزمانیکه در خلوص و خلوت با و رهابت بسوی او میشتابی

بیاد من باش

بیاد ذره ناچیزیکه دست تمنایش همواره بسوی محبوب گشاده است و هر صبح و شام با همه زلال ایمانش چون تو بانک مناجات سر میدهد تا شاید گوهر وجودش تلالو و درخشندگی یابد و نور افشانی آغاز کند و گرمی بخشد .

ای نازنین ، بیار من باش ، و برای من دعاکن و از مولای بیهمتا طلب نما تا سرخ گل ایمان را در نهان روح و جان آن مهر آشنای دیرین شکوفا کند .

بیگانه یگانه ای که چون با او ازدل و جان پیوندیستم ، دروازه های  
قلبم را برویش گشودم و کیمیای ایثار و فداکاری را عاشقانه نشمار  
راهش کردم . از طوبای محبت بر او سایه گستردم و از حویبار تقوی  
شهد و انگبین در کامش ریختم و چونان عنده لیبان معانی هر صبح و شام  
برایش نغمه عراقی سردادم ، تخمهای حکمت لدنی را در ارض قلب  
و اعماق وجودش کریمانه افشاندم و با ب یقین آتش دادم تا شاید  
شینمی از دریای ژرف رحمت پروردگار بر آن فروریزد و نهال ایمان  
در دلش جوانه زندوبه با رو بر نشیند و اقلیم وجودش را گلباران سازد  
عنقای بقایش در قاف وفا محل گیرد و دهد سلیمان عشق را در سیای  
جانان آشکارا مشاهده کند .

ای تمگسار ، حال سالیانی بس دراز است که نام بهاء هر روز و روشنائی  
صبح سعادت را بر ظلمات زندگانیش چیره میسازد و بانگ مناجات  
سحرگاهیم همچون نوائی فرخبخش و دلنواز او را از فراش غفلت برمی  
انگیزد و نمازش ماگام خانه و کاشانه اش را ستاره باران میکند .  
با اینهمه دردا " و دریغا " که اگر چه مشتاقانه در کناره های  
اقیانوس بیکران اندیشه ها چشم بر امواج خروشان ایمان و ایقان  
دوخته است و با آنکه بروزگار رنج و حرمان و بیماری و ناتوانی  
و خسران و خذلان در دامن من میآویزد تا خواستها و احتیاجات را  
بگوش پروردگار عالمیان برسانم و از ملکوت ابهی به سر روزی و  
گشایش برایش طلب کنم . در حالیکه صمیمانه و صادقانه بر من مهر  
میورزد و بر هوشیاری و خردمندی و استواری باورهایم آفرین می  
فرستد و راه رستگاری را تنها در آئین بهاء میجوید . با اینحال  
چندانکه میکوشم و میخوشم شعله های گرمی بخش ایمان شمع وجودش  
را بر نمی افروزد و رنجهای باغیان مهرو و فائمری به بار نمیآورد  
و حویباران زلال و گوارای ایثار و فداکاری بعیت در شوره زاران  
تردید فروروند و نا پدید میشوند .

ای درد آشنا ، نیک آگاهم که تا مشیت یزدان پاک بر وفق مراد

اشارت نکند. اگر ابرویا دومه و خورشید و فلک هم در کار آیند و اگر  
جميع کائنات به تکاپو برخیزند هر تلاش و کوشش و اهتما می بیهوده  
و بی حاصل خواهد بود. و بر استواری این باوردی پیاپییم گواهی  
دیگر خواهند افزود که "آنچه کنند و کنند ما چه توانیم کرد"

مالک قلبها و سلطان اقلیم دلها و جانها اوست و جميع آنچه را در  
آسمانها و زمین است برای ما مقرر داشته مگر قلوب را که محل نزول  
تجلی جمال و احلال خود معین فرموده.

اما با این همه در این نیمه راه زندگی با کوله یاری از اندوه و ملال  
لنگ لنگان بسوی قله صعب العبور تمنا گام بر میدارم و دست طلب به  
سوی تومیگشایم تا برای من دعا کنی، یا شد که ایزد یکتا از ملائ  
اعلی و جهان سرمدی نظری بسوی این پرورده دیده عنایت افکنند و  
این خسته از پای او فتاده را زمان آسودگی فراراه رسد و سر منزل  
مقصود و شهر آرزو هویدا شود آن مهربان را این سعادت فرا چندنگ  
افتد که جام باقی از کف ساقی خلد گیرد و از زیاده های وصال احدیه  
و شراب های لقای صمدیه بپاشد و سرمست خمر است شود.

دیده اش بنور هدی روشن و گوش هایش شنوا گردد تا مشاهده نور  
حقیقت نماید و از ندای ملکوت بهره و نصیب گیرد و ببیند "آنچه را که  
قوه باصره از برای آن موجود گشته" و بنشود "آنچه را که قوه سامعه  
برای آن بظهور آمده".

مشام جانش از نفحات قدس معطر و دل و جان افسرده و پژمرده اش از  
فیوضات نامتناهی طراوت و لطافت بینهایت یافته و غبطه گلزار  
و گلشن گردد.

و بدانگاه که نفس هایش شکنند و روح های ما چون همای عشق در هوای  
قدس اوج گیرند و جوان کیوتران دور پرواز در فضای بیکران آهنگ  
ساحت لولاک کنند و با نفس رحمانی بجزروت جاودانی و سر اداق خلد  
آسمانی پرکشایند.

شادمانه و سیکبال از این جسد فانی بصحراهای خوش جان عسروح

کنند و بفرودس معانی راح شوندا برضوان دلکش لامکان بخرامندو  
درملکوت باقی مقریابند .

امید ، آنکه چراغ مهروپیوندمان راکه دراین جهان سخت پرفروغش  
داشته ایم بعالم دیگربریم و این اقتران بوقت رابه هم آرائی جاوید  
مبدل سازیم .

پس ای یارمعنوی ، ای پاک پاکان ، ای همراه هم آرای بیادمن  
باش و برای من دعاکن .

توجه :

دوستان عزیز ، حق اشتراک "پیام بیدیع" یا تبرع  
مربوط بدان رالطفا دروجه محفل مقدس روحانی  
نیویورک وبه آدرس زیرارسال فرمایید :

DR. T. Bassari

P. O. BOX 698

Clifton, N.J., 07012

ونیز هر نوع مکاتبه ، ارسال مقالات وغیره بنشانی  
فوق باشد .

از عزیزانی که با پیام بیدیع همکاری میفرمایند  
استدعا دارددرنوشتن مطالب قطع وگنجایش آنرا  
مورد عنایت قراردهند . در صورتیکه مطالب رسالی  
بامشی پیام بیدیع مطابقت نداشته باشد تا دو هفته  
بعدا ز دریافت اطلاع داده خواهد شد . در صورت عدم  
اطلاع بارعایت حق تقدم به درج آن اقدام خواهد  
گردید .

تغییر آدرس را فوراً اطلاع فرمایید . حق اشتراک  
حداقل ۲۵ دلار میباشد .

بمنا سبت شهادت حضرت رب اعلیٰ ارواح لابنیا

لدم اطهره الفدا!

از جناب دکتر علی محمد روشن

پی شهادت حق فوجی از ارامنه است

سه صف سپس بنمودند تیرها پرتاب

گلوله شرم نمود از جمال حی و دود

ولی درید و برید آنچه بود بند و طناب

تن مطهرش آمد ز دار روی زمیــــن

به سمت حجره، مخصرهن کرد مشی و ذهاب

همین تمشی از معجزات با هر بود

که تا نگویند از خوف زهره اش شد آب

فضای میدان تاریک شد ز دود تفنگ

رسید کینه، فرقانیا ن به حد نصاب

عدویر آمد در جست و جو بهر سو دید

به حجره گشته مکین آن شه سپهر جناب

جمال حق را بار دیگر زدند به دار

به زعم خود که از اینکا رمییرند ثواب

جو گشت صحت حق کرة نخست تمام

نمود کرة ثانی به خود قبول شهاب

ولیک کرة ثانی گروهی از اسلام

نکرده خوف ز روز حساب و یوم مآب

چه کرده اندند انم ولیک سینه حق

مشیک آمد و خون شد روانه چون رود آب

قلم چگونه نماید رقم که در آن حین

چه رخ نمود که دارند شرم از آن کتاب

سزد دیده عالم از این عزای بزرگ

به حای اشک دما دم روان شود خونات

سزدکه ابریا ردمدام خون به زمین

سزدکه ارض بلرزدهما ره چون سیماب

سزدکه درد دل دریا میان هر صدفی

چونافه بسته شود خون بجای درخوشاب

ز شیعیان مسلمان... تعجبی نبود

که دائما بنمایند ظلم بر اعیان

دلایل شدید اکنون که در ایران

حیات حسامی بس مشکل است بر اعیان

استقبال! ز عزل جناب  
از جناب فرنوش حسامی (۱)  
لقائی کاشسانی  
ارسالی خانم مهین ثابت

### شرح شهدای شیراز تا بستان ۱۳۶۲

بودن یوفایر سرریمان مزه دارد

جان با ختن اندر ره جانان مزه دارد

حایب شدن ساکن گلخانه فردوس

سرمست چومرغان خوش الحان مزه دارد

در خلوت دل ذکر خدا گوشه زندان

هنگام دعا دیده گریان مزه دارد

رنج و محن از دوری بیاران و عزیزان

با روی خوش و چهره خندان مزه دارد

محروم شدن از همه لذات جهانی

در قلعه ای از آهن و سیمان مزه دارد

روز نهم حوای روز شهادت حضرت اعلی و از ایام محرمه میباشد و لسی در

ایران همیشه روز ۲۸ شعبان منظور شده و می شود.

با سختی و دشواری و اندوه فروان

سرکردن و بودن سرپیمان مزره دارد

بودن پی تحصیل رضایش زدل و جان

تسلیم قضا بادل شادان مزره دارد

اول عظمت یافت "فهندز" به شهادت

تذکار سرخیل شهیدان مزره دارد

تحلیل ز "دهفانی" مست از می ایثار

نوشیدن پیمانانه پیمان مزره دارد

خورشیددل ماست کنون "انوری" پاک

یادی ز وفاداری پاکان مزره دارد

در حیرتم از همت مردانه "وحدت"

ایثار در آن عالم ایقان مزره دارد

ما را چه رسد و صف نمائیم ز "خوشخو"ی

بیاد خوش آن بر سر پیمان مزره دارد

تا روز قیامت چو شود ذکر حوانان

حانبازی مردانه "احسان" مزره دارد

(۲)

"عباسعلی زاده" صادق "که زیاده اش

در مجمع یاران و محبان مزره دارد

با خون "هدایت" جوسیا ووش به گیتی

در عشق شدن رستم دستان مزره دارد

"اوحی" شده از عالم ناسوت به لاهوت

بر تخت شهادت چو سلیمان مزره دارد

آزادگی آموز ز "احراری" محسوب

حق گفتن و بر خاستن از جان مزره دارد

مانند "وفائی" که وفا کرد بعهده اش

پوشیدن پیراهن عرفان مزره دارد

این گفته خانانانه "محمود نژاد" است

رفتن بسوی خالق سبحان مزره دارد

طوبای قراگزلوی" (۳) معصوم که الحق

ذکرش به زبانهای عزیزان مزه دارد  
پرواز و صعود از سر تسلیم جو "ثابت"  
زی عالم لاهوت ز زندان مزه دارد  
یادآوری جمله، شهیدان و خصوصا  
گفتن ز فداکاری "افنان" مزه دارد  
"یلدائی" یل گشت درخشنده جو "بهرام"  
تابیدن مه در چه کنعان مزه دارد  
"اشراقی" پر شور به آفاق ش—ررزد  
اشراق بهر دشت و بیابان مزه دارد  
"حق بین" چه نکو گفت به هنگام شهادت  
حق دیدن و جان دادن آسان مزه دارد  
"جمشیدسیا ووش" به جان سوخته از عشق  
فرمود که همراهی خوبان مزه دارد  
"آزادی" از آن شهره، شهر است که میگفت  
هان رقص کنان جانب میدان مزه دارد  
"رخشنده" "سهیل" است که افشاندن نورش  
در تیره شبان چون مه رخشان مزه دارد  
اکنون که سخن رفت به تشریح شهادت  
تذکار از جانبازی نسوان مزه دارد  
گفتن سخن از "نصرت یلدائی مظلوم"  
آن شمع شب افروز شبستان مزه دارد  
از بیکر "عزت" که ز اشراق حقیقت  
پروانه صفت سوخت جان مزه دارد  
در "ظاهره" بنگر که گلی بود به بستان  
پژمردن گل فصل بهاران مزه دارد

"مونا" همه گویند بود معجز دوران

تعریف از آن معجز دوران مژه دارد

تذکار از "ثابت" که بدی مظهر ایثار

آن "اختر" پرنو فروزان مژه دارد

"رویا" که بدی گوهر نایاب به گیتی

تجلیل از آن جوهر ایقان مژه دارد

"زرین" چو زرناب سرافراز بر آمد

یادی ز فداکاری پاکان مژه دارد

"مehشید" درخشیده دنیا ی شهادت

تابیدن چون مهر درخشان مژه دارد

"سیمین" که بدلیل گلزار معانی

بر شاخه گل نغمهء دستان مژه دارد

از قصهء جان بازی "شیرین" چه بگویم

بشنیدنش از صاحب ایمان مژه دارد

روخانه کن آباد چو این جمع شهیدان

بنهادن این خانه ویران مژه دارد

فخر است فداکاری و یادش شهادت

در یافتن از رحمت یزدان مژه دارد

فرونش چه خوش گفت روانشا دلگشا

نالیدن در گوشهء زندان مژه دارد

---

۱- جناب فرنوش نیز مدتی در شیراز زندانی بوده اند.



«ای جوانان قرن یزدانی  
ای شما کاخ صلح را بانی»

با خلوص و حرارت خویش  
و حدتی چون سپاه ربانی

پای همت نهید پیش که زود  
فرصت از دست می رود آنی

تا شود حل بسیاری باری  
مشکلات جهان انسانی

## دلایل السبع

آن حضرت چنین استناد میفرمایند که : اعظم حجت حضرت رسول اکرم قرآن مجید است که "کفایت از کل معجزات نموده و خواهد نمود" و برای این حجیت هفت دلیل ذکر میفرمایند که خلاصه اش انیست :

دلیل اول - چون قرآن مجید ناسخ کتب قبل است بنا بر این از تمام معجزات حسدیه انبیاء قبل اعظم خواهد بود .

دلیل دوم - احدی قادر بر تیان کتابی مانند قرآن نبوده "غیر الله قادر نیست بر انزال آیه" . . . . . اگر نزد خلق ممکن بود در طول ۱۲۷۰ سال احدی آیه اتیان نموده بود و حال آن که دیدی عزکل را " سیس همین دلیل را اطلاق بر حجیت بیان و آثار مبارک خود میفرمایند و بمخاطب میگویند : "خداوند! از تو سوال میفرماید که بچه چیز داخل دین اسلام شدی غیر از آن که بگوئی بفرقان هیچ دلیل دیگر ندیده ای بهمین خداوند اثبات حجت میفرماید بر تو ، که همین قسم که در نرسزد کتاب رسول الله متدین بدین اوشدی ، بر تو بود که در نزد کتاب نقطه بیان متدین بدین حق شوی ، زیرا که تو رسول الله ندیده ای و بنفس کتاب متدین شدی همین قسم که آیه از بیان دیدی بهمان حجت که متدین بدین فرقان شده ای بر تو هست که موقن بآن آیات شوی" .

چه خوش گفته است نعیم اعلی الله مقامه :

حقتی نشد جز از کلمات	حجت حق نبوده جز آیات
در جواب مکذب آیات	گفت فاتوا بسورة مثله
جامع امر و نهی و صوم و صلوه	کآیت باقی است و فیض عموم
ثمر آن هدایت است و نجات	اثر آن ترقی است و علوم
باشد آن همجوا و بذات و صفات	متکلم کلامی ار گوید
متشابه نمی شود بالذات	پس کلام حق و کلام بشر
هم بود حی و محیی الاموات	کا و بود خلق و خالق الاشیاء
سبطیان را کلام عذب فرات	قبطیان را کلام صلح احاج

زنده است از کلام حق هر شیئی  
ومن الماء كل شیئی حی  
(حجت حق نبوده جز آیات اشاره بآیه مبارکه قرآن است که میفرماید:  
"یرید اللہ ان یحق الحق بکلما ته ویقطع دابر الکافرین" (سوره  
انفال آیه ۷)

"فاء تو ابسوره مثله" آیه قرآن مجید است در سوره بقره آیه ۲۱ کسه  
میفرماید: "وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاء تو ابسوره  
من مثله"

کتابت باقی است و فیض عموم اشاره بقرآن مجید است در سوره نحل آیه  
۸۹ که میفرماید: "ونزلنا علیک الکتاب تبیاناً وهدیً ورحمةً و  
بشری للمسلمین".

اثر آن ترقی است و علوم اشاره بقرآن مجید است در سوره جمعه آیه ۲ که  
میفرماید: یتلوا علیهم آیتها ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمه".  
متکلم کلامی! رگوید اشاره بحديث مشهور الکلام صفة المتکلم است.  
عذب فرات و ملح احاج (نمک شور) اشاره بقرآن مجید سوره فاطر آیه  
۱۲ است که میفرماید: "وما یتوی السحران هذا عذب فسررات و  
سانع شرابه هذا ملح احاج".

ومن الماء كل شیئی حی اشاره بقرآن مجید سوره انبیاء آیه ۳۰ است  
که میفرماید: "وجعلنا من الماء كل شیئی حی افلا یؤمنون".  
دلیل سوم - آیات مظهر قدرت الهی هستند و قدرتهای ظاهری وهم  
چنین معجزات جسمانی همه فانی وزودگذرند و لکن قدرت حق یعنی  
آیات دائمی و باقی است "اثبات قدرت در این آیات ظاهر میگردد  
بنحوبقاء نه غیر آن، تصور نکنی که این امری است سهل بلکه این  
خلقی است (خلق آیات یا کتاب تدوین) عجب از خلق سموات و ارض و  
ما بینهما"

در بحار الانوار حدیثی از امام جعفر صادق روایت شده که فرموده است  
"العلم سبعة وعشرون حرفاً فجميع ما احاثت به الرسل حرفان وللم  
یعرف الناس حتی الیوم غیر الحرفین فاذا قام قائمنا اخرج الخمسه

والعشرين حرفاً" ودر این مقام حضرت اعلی در اتیان بحیث آیات خود میفرمایند: "نظر کن حروف هجائیه را (۲۷ حرف) که کل خلق به آن تکلم مینمایند، خداوند عزوجل او را بشاء نی از نفس امسی خودشان ظاهر فرموده که کل ما علی الارض از اتیان بمثل او بر فطرت عاجز میگردند و این نیست الا صرف ظهور قدرت و محض بروز عظمت، ولی اکثر خلق در عالم حدّند مستشعر بعظمت آیات و جلالت آن نمیشوند چه بسا بشئون حدّیه مستشعر میشوند و با این دلیل متقن و حجت میرهن که باقی است (آیات) الی یوم القیمه مستبصر نمیشوند".

دلیل چهارم - "نفس آیات و کتاب کفایت میکند از معجزات دیگر" حضرت در این مورد بسوره عنکبوت آیه ۵۰ و سوره بنی اسرائیل آیه ۸۹ که طبق آن حضرت رسول اکرم سائره معجزات درخواستی کفار و یهودان را رد فرموده و کتاب راحت کافی میدانند استناد فرموده و سپس خطاب بسائل میفرمایند: "حال انصاف ده آن عرب جنین تکلم کرد و تو سو چیز دیگر میخواهی بهوای نفست، چه فرق است ما بین تو و او! و اگر قدری تامل کنی بر عباد است که آنچه را که خدا تحت قرا میدهد بـرا و مستدل شونده آنچه دلخواه او باشد".

دلیل پنجم - خداوند در قرآن محید بحزب آیات بجز دیگری استدلال نفرموده "حنا نچه نازل فرموده قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یاء تو ابمثل هذا القرآن لایاء تون بمثله ولو کان بعضهم لبعض ظهیرا (سوره اسری آیه ۸۷) و اگر این معجزاتی که الان در کتب نقل میکنند هرگاه خداوند بشاء نی؛ زبیرای آنها میبود استدلال بر حقیقت رسول الله ص) بآنها میفرمود و اگر هم جائی ذکر فرموده قصد الهی استدلال نبوده، مثل اقتریت الساعه و انشق القمر (سوره قمر آیه ۱) و مراد را خداوند میداند چنانکه آیه مبارکه لا یعلم تاء و یله الا لله و والراسخون فی العلم (سوره آل عمران آیه ۷) ناطق است".

البته احیای الهی یا توجه به تئیینات جمال اقدس اسهی مخصوصا توضیحات کتاب مستطاب ایقان میدانند که مقصود از ساعت عبارت

از قیامت و ظهور مظاهر مقدسه الهیه " و مقصود از شمس و قمر و نجوم در مقام اولیه انبیاء و اولیاء و اصحاب ایشانند که از انوار معارفشان عوالم غیب و شهود روشن است و در مقام دیگر مقصود از شمس و قمر و نجوم علمای ظهور قبلند که در زمان ظهور بعد موجودند و زمان مدین مردم در دست ایشان است و اگر در ظهور شمس اخیری بضیاء او منور گشتند لهذا مقبول و منیر و روشن خواهند بود و الاحکام ظلمت در حق آنها جاری است اگر چه بظواهر هادی باشند " (ایقان شریف)

دلیل ششم - حجت الهی فقط بوسیله کتاب بر خلق بالغ میگردد .  
 "...توجه چیز در دین اسلام متدین شده ای؟ پیغمبری که ندیده ای معجزه ای که ندیده ای ، اگر لاعن شعور شدی چرا شدی و اگر بحیثیت فرقان شدی برای این که شنیدی از آریاب علم و ایقان که اعتراف بعجز نمودند دنیا آن که بمحض حب فطرت نزد استماع ذکر الله خاضع و خاشع شدی که یکی از علائم اکبر حب و عرفان است که حجت تو متقن بوده و هست همین قسم که در قبیل میگوئی بنفس خود در بیان هم بگو بنفس خرد "

علماء اسلام در کتب متعدده خود راجع بمعجزه شرایطی تعیین کرده اند از این قبیل :

- ۱- مقرون به تحدی باشد شامل کرامت ، ارهاص و خوارق عادات نباشد .
- ۲- دیگران از اتیان بمثلش عاجز باشند .
- ۳- برای همه مردم باشد نه فقط گروهی خاص .
- ۴- لاینفک از مظهر امر الله باشد .
- ۵- در تمام دوره شریعت باقی باشد .
- ۶- با اصل ادعا ارتباط داشته باشد که همه اینها فقط در کتاب الله مجتمع است و بس .

(برای توضیح و شرح بیشتر در این مورد به کتاب درج لثالی هدایت تالیف متصاعدالی الله جناب اشراق خاوری گوهر دوم مراجعه فرمایند)

دلیل هفتم - خداوند منان بقدرت و اوسع خود مدعی باطل را فانی خواهد نمود و بنا بر این دوام و بقای دیانت حضرت رسول اکرم دلیل حقانیت آن است و بهم چنین است دور بیان .

"خداوند عالم بر هر شیئی بوده و هست و قادر بر هر شیئی بوده و خواهد بود ، بعد از آن که نفسی نسبت داد خود را با او که من از قبل او حتم و اظهار بینه نمود و او عزوجل در مقام ابطال او کسی را ظاهر نفرمود دلیل است بر این که من عند الله بوده و محبوب خداوند انداخته است آن بوده ، و همین قدر که راضی شد و بعد از قدرت اظهار نفرمود دلیل است بر این که از قبل او بوده و نزدا و مرضی بوده و تورا وصیت میکنم در بیان که در نزد هر ظهوری بدلیل آن ظهور در مقام احتیاج بر آئی نه بغير آن ."

چه خوش سروده است نعیم اعلی الله مقامه :

گفت عیسی که داعی باطل	شود البتّه کشته و زائل
گفت شعیا که گفته است خدا	آیت کا دیان کنم باطل
ارمیا گفته بر طرف گسرد	کذب کذاب جعل هر جاعل
گفت حزقیل دست حق باشد	بمکافات مفتی عا حیل
بدروغ اربنی نبوت گسرد	من نیم از هلاک او غافل
گفت عیسی هر آن شجر که نکاشت	پدر البتّه بر کند از گسل
گفت یزدان یا حمدمرسل	یثبت الحق و یزهد الباطل
باز گفت ار سخن بمانندی	دست قدرت تورا بر درگ دل

گویدا حماع و عقل و نقل و کتاب

یعلمون غداً من الکذاب

انجیل متی باب ۱۵ آیه ۱۴ هر نهالی که پدر آسمانی من نگاشته باشد کنده شود .

قرآن مجید سوره بنی اسرائیل آیه ۸۱ و قل جاء الحق و زهد الباطل کان زهوقاً .

قرآن مجید سوره حاقه آیه ۴۴ ولتوقول علینا بعض الاقاویل لاخذنا

منه باليمين ثم لقطعنا منه الوتين فما منكم من احد عنه حازين) بعد برای این که در مورد سرگونی و زندانی شدن خود آن حضرت و هم چنین شهادتشان سوء تفاهمی برای سائل پیش نیاید میفرمایند: "واگر حیس دلیل بر غیر حجت شود یوسف نبی الله مسجون شد از نبیین و موسی بن جعفر علیها السلام از وصیین و حال آن که هر دو حجت بودند و هم چنین شئون دیگر دلیل بر غیر حجت نمیشود زکریا قصه آنرا شنیده ای از نبیین و سیدالشهداء از وصیین و حال آن که هر دو حجت بودند اینها از برای این است که تبصر بهم رسانی" چه خوش گفته است نعیم:

بهاران بلاد چار نشد	کیست آن مظهری که خوار نشد
یا که عیسی فرار دار نشد	اشعیای نبی دونیمه نگشت
یا که آواره دیسار نشد	یا که دندان مصطفی نشکست
دین طلب صاحب اختیار نشد	اهل دنیا نجست راه هدی
بی بلادینی استوار نشد	امتحان ولاشود بیلا
از بلیات رستگار نشد	با وجودی که هیچ یک ز رسل
هیچ گذاب پایدار نشد	دین حق هیچ پایمال نگشت
مانع دین کردگار نشد	سعی کفار با همه قدرت

انکم غافلون عن ذکره

وهو غالب علی امیره

(قرآن مجید سوره انفال آیه ۳۰ واذیمکر بک الذین کفروا لیثبتوک او یقتلوک او یخرحوک ویمکرون ویمکر الله والله خیر الماکرین).  
 قرآن مجید سوره ابراهیم آیه ۱۸ وقال الذین کفروا لرسلمنخرجنکم من ارضنا اولتعودن فی ملتنا فاوحی الیهم ربهم لئنهلکن الظالمین.  
 قرآن مجید سوره عنکبوت آیه ۲ (حسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آتانا وهم لایقتنون)



قصه عشق میرزا محمدعلی زنوزی  
بقلم جناب روح الله مهرانجانی  
ناشر نجات الله ومهاجر عزیز اسپانیا

بعدا از حرکت رب اعلیٰ بما کو سیس بجهریق فراق محبوب آتش او را تیزتر کرد، شهره شهر شد و رسوای دهر گشت بکوه ودشت قدم نهاد و در ماکوو جهریق بزیارت محبوب واصل شد و یادلی یر شور تر به تبریز بازگشت در تبریز بنای تبلیغ گذاشت و بمذاکره و محاوره با ملایان همت گماشت. این جرئت و جسارت فریاد و فغان جمعی را که به احترام آقا سیدعلی حرمت وی را مرعی میداشتند بلند نمود، شکایت پیش یدر بردند و آن مرد دنیا که درک حال آن جوان و ارسته را نمی توانست کرد به نصیحت و اندرزا و پرداخت که اگر هم دست از دنیا من محبوب نتواند برداشت بحکمت و مدارا با مردم رفتار نماید و محبوب تحریک تعصب آنان نگردد ولی میرزا محمدعلی را این نصایح سودی نیخشید "نبود بر سر آتش میسرش که نجوشد" بقول لقائلی کاشانی:

ای یدر بندم مده بیهوده کاین فرزند تو

ناخلف افتاده و قیدش زنگ و نام نیست  
غایت خطر این جهان و مردم آن قطع حیات بود در حالی که او از همان قدم اول (سر داشت محض فدیہء جانان در آستین) سبحان الله آنرا که غایت آرزو و فدای جان و مال است بچه تهدید توان نمود و آنکه جهان و مافیها را بحوی می فروشد و راجه و عدی فریب توان داد چون حبس و سرگونی حضرت اعلیٰ در ماکوو جهریق موجب خاموشی نور الهی نگردید بلکه آن چراغ خود فروز عالم افروز و لوت مسسه نار نور علی نور شعله کشید و همه آذربایجان را روشن ساخت جمعی مومن شدند و جمعی با نکار قیام کردند و بقول جناب نعیمی لاوبلا و صف آرا شده شد (صفی از ناقضیان عهد شکن صفی از عاشقان جان برکف) دشمنان امر با آنکه (جان گرگان و سگان از هم جداست) صف اتحادی برای مقابله و مقاومت

آراستند و در همه جای آزار و اذیت احاطه پیدا ختند در تبریز هم خان احیا در خطر افتاد ولی میرزا محمد علی عالمی داشت از این عالم سدر افراد خانواددهی خان اوبیمناک شدند و چون پند و اندرز را در او اثری نبود وی را در منزل در اطاقی محبوس ساختند و اجازه خروج ندادند چون این زندان اولین ستمی بود که در راه محبوب آنهم بدست بستگان خود تحمل میکرد آنرا ما برانه قبول نمود و آن گوشه تنهایی را راهی برای راز و نیاز با محبوب بی انبیا زیافت شب و روز بی مناحات مشغول بود و یادلی پر آتش بسوی چهریق توحه نموده بدعا و گریه میپرداخت بنوعی که ناله و زاری نیمه شب آن عاشق بیقرار همه اهل خانه را بیخواب و قرار کرد تا بالاخره در آن زندان مریض شد و در دهان نگاه عشق تن ناتوانش را ملازم بستر ساخت .

در طی این مدت حضرت اعلی را برای استنطاق به تبریز آوردند و بعد از ستم و ظلمی که در مجلس علما و بعد از آن نسبت بدان موعود امام مرتکب شدند دوباره حضرتش را چهریق بردند . ملا محمد علی در همه حال خانش انیس خانان بود ، هر چند تنش از حدت مرض میسوخت تا آنکه شبی دلدار بیحجاب از در در آمد و کلیه تاریک او را بنور جمال منور ساخت و آتش درونش را بخطاب ایانا رکوفی بردا و سلاما (سلامت و راحت مبدل ساخت بهتر است این داستان را از زبان شیخ حسن زینوی همشهری و همقدم او در سیل عشق بشنویم :

در وقتیکه حضرت اعلی حجاب عظیم را ا مرفر نمودند! ز چهریق حرکت نمایدیمن نیز! مرفر نمودند جمیع الواح و آثاری که در مدت ساجن ما کو و چهریق نازل شده جمع آوری نموده و در تبریز بدست سید ابراهیم خلیل برسانم که آنها را با نهایت دقت محفوظ بدار دلذابه تبریز آدمم و در! ثناء اقامت در این شهر بسیاری از اوقات سید علی زینوی را که ما من قرابت داشت ملاقات من نمودم! و بر حال فرزندش حجاب انیس تاسف میخورد و با نهایت تاشرم میگفت او عقل و شعورش را از دست داده و برای من ننگ و عار نگفتنی فراهم آورده است شما

کوش کنید و اوراق منع نمائید که ایمن خود را مخفی بداند و اینقدر حزع و فرغ ننماید باین جهت من هر روز بیدار را میفرستم و میدیدم چگونه سیل اشک دائماً بر گونه اش جاریست تا وقتی که حضرت اعلی را به جهریق عودت دادند، چون بیدارش رفتیم بانهایت تعجب مشاهده نمودم که خوشحال و مسرور است همینکه مرادید با سرور فوق العاده ای مراد را غوش گرفت و جسمهایم را بوسید و سب سرور بی اندازه خود را چنین بیان داشت "پس از آنکه حضرت باب را به جهریق بازگردانیدند من در حجره خود قلباً بآن حضرت توحه نموده بر از دنیا زبرد ا ختم که ای محبوب من تو بر عز و گرفتاری من واقفی و میدانی حق در شائقی یک نظر به جهرهء مبارکت هستم پس این ظلمت و تاریکی که بر قلبم خیمه زده بقوت انوار و جهت بردار در این حال بطوری متاثر گشتم که از خود بیخود شدم، ناگهان صوت مبارک را شنیدم که مرا ا مریقیسام فرمود، جمال نورانی آن حضرت را در مقابل خود دیدم که متسمانه بمن نظرمی فرماید من خود را به اقدام مبارکش افکندم، بمن فرمودند خوش حال باش ساعت موعود فرا رسیده به زودی در این شهر در برابرانظار مردم طعمه آتشی که دشمنان من افروخته اند خواهیم شد و در نوشیدن جام شهادت جز تو کسیرا شریک خود نخواهم ساخت و تاکید فرمودند که بزودی این وعده تحقق خواهد یافت چون بخود آمدم خویش را در دریائی از سرور و نشاط یافتیم بطوریکه احزان حمیم عالم نمسی تواند این سرور و خوش حالی را محو کند از آن بعد دائماً صوت مبارک در گوشم طنین انداز است و آن جمال مبارک در برابر چشمم مصور و مجسم است بطوریکه دیگر متوحه نیستم که گرفتار حس و زندانم و یقین دارم که آنچه وعده فرموده اند بزودی واقع خواهد شد و تا خیر سری رخ نخواهد داد."

من او را نصیحت کردم که این امر را مستور دارد و صبر پیشه سازد و این قضیه را به کسی ابراز ندارد و بواسطه علی همه مدارا رفتار کند من نزد سعدلی شتافته او را از تغییر حال و بهبودی انیس آگاه نمودم و این

سبب شد که او از حبس رهایی یافته و با جمیع اقربا و بستگان بکمال سرور و بساحت رفتار مینمود تا روزیکه وعده آن حضرت سر رسید و او خود را قربانی مولایش نمود و حماعت مردم بر حالش گریستند (

مجلس تاسیس در هر خانه بناید  
و عداوت ظلمت در هر کاشانه بناید

(سرود بهرمان)

اطلاعیهٔ محفل روحانی نیویورک

ANNOUNCEMENT

مرکز بهائی نیویورک به دو نفر متولی جهت حفاظت و نگهداری آن مرکز نیازمند است. مرکز بهائی مذکور ۱ طبقه دارد و متولی آن مسوول نظافت و حفاظت ساختمان خواهد بود. محل سکونت متولی ساختمان، طبقهٔ سوم آن خواهد بود که دارای سه اتاق و آشپزخانه و حمام است. مبلغی نیز بعنوان حقوق پرداخت خواهد شد. علاقه‌مندان میتوانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با مرکز بهائی نیویورک تماس حاصل نمایند.  
تلفن: ۶۷۴-۸۹۹۸ (۲۱۲).

شرح حال متصاعدالی اللهامة الله الام . بیلبیلی  
Ella M. Bailey اقتباس از جلد ۱۲ عالم بهائی

بقلم جناب دکتر رابرت لی گولیک جونیر

ترجمه جناب اسماعیل سیاهپوش

مسئله دوم این بود که آیا وجود این تصمیم جهت شرکت در جشن افتتاح مشرقی الاذکار آمریکا به آن دیار عازم بشویم یا نه ، بعد از تلاوت چند مناجات باین نتیجه رسیدیم که کمال بی انصافی است که الیبیلی را از لذت شرکت در جشن افتتاح مشرق الاذکار که در کمال شکوه و عظمت در قطعه زمینی که خانم بیلی آنجا را در سال ۱۹۱۲ با بیرومسطح مشاهده نموده بود محروم سازند . بدین ترتیب خانم بیلی در جشن مزبور با سرور فوق العاده شرکت نمود حتی به سعادت زیارت شمایل مبارک حضرت بهاء الله و حضرت رب اعلی نایل و مفتخر شد . آنگاه خانم بیلی با روحیه شاداب و امیدوار و سلامتی مزاج به برکلی مراجعت نمود . یکی از دوستان دیرینش اظهار نمود که خانم بیلی را از جهل سال گذشته تا کنون این اندازه شاداب ندیده است متاسفانه خانم بیلی چند روز بعد با عارضه سینه پهلو در بیمارستان بستری شد احیارا محل اقامت خود را از کلوب زنان برکلی به آسایشگاه سالمندان تبدیل نمود ، بتدریج قسمتی از سلامتی و نیروی از دست رفته خود را با زیافته آماده مسافرت شد . دوستان دیرینش از پیب روان ادیان سلف بودند با اطلاع از اینکه خانم بیلی تصمیم دارد از کالیفرنیا عزیمت نموده و در شمال آفریقا رحل اقامت بیفکند بیمناک شده اظهار نمودند که چنین اقدامی عمرایشان را کوتاه خواهد نمود . ایشان با قیافه متبسم اظهار نمود "من از دست دادن زندگی در خانه سالمندان را فداکاری قابل توحی نمیدانم" . خانم بیلی کالیفرنیا را که سالیان در آنجا بسر برده بود در تاریخ ۱۴ جولای ۱۹۵۳ برای همیشه ترک کرد ، در سر راه به آفریقا شب را در نیویورک در آپارتمان دکتر فرضلی میلانی بسر برد و ضمناً

بملاقات دونفر از حضرات ایادی یعنی جناب موسی بنانی و جناب ذکرالله خادم نایل شد صبح روز بعد تصافا با بزیمین خورد و لوسی خوشختانه صدمه ای بایشان وارد نشد و مسافرت طولانی اش آغاز گردید توقف بعدی او در شهر روم بود و آنجا پرفسور فیوزتینی کمکهای لازمه را نسبت بایشان میدول داشت. متاسفانه با ردیگرزمین خورد، با وجود صدمات وارده ناچار به ترک روم شد، خانم بیلی باهمراه داشتن ماسک اکسیژن بخوبی بمسافرت خود ادامه داد. در تاریخ بیستم جولای به محل مهاجرتی رسیده در فرودگاه مورد استقبال دو نفر از اعیان قرار گرفت.

در طی آخرین روزهای حیات خود بیعت سقو طهای متعدد گاهی متوجه حال و سلامتی خود که روز بروز وخیم تر میشد نبود. بالاخره با حسرت و اندوه به ناتوانی وضع مفرط خود پی برده بستری گردید و دائم از افرادیکه ما مور حفاظت و مواظبت او بودند عذر خواهی میکرد او متوجه بود که دستهای مهرو مودت پیوسته بطرف وی دراز و مواظب حال او حوالش میباشند موقعیکه حالش کمی به حالمی مدمرتیا از قرینه های فرج الله شوکت علی که در نهایت دقت و فداکاری شب و روز از او مواظبت مینمود تشکر و قدردانی میکرد حضور من و کودک دوساله ام در اطاقش یک حالت بشاشیت و سرور در خانم بیلی ایجاد میکرد زیرا قلبا او را دوست میداشت و مطمئن بود که این کودک آتیه درخشانی در پیش دارد.

سرانجام ساعت هشت صبح ۲۶ آگست ۱۹۵۳ حیات پاک و زندگی ثمر بخش الابیلی در سن هشتاد و هشت سالگی بی پایان رسید. نسیم ساعت قبل از صعود با یکی از اعضای سابق محفل مقدس روحانی ملی مصرویک جوان ایرانی الاصل که چندی بعد اولین مهاجر فرزانشد ملاقات کرده بود. احبای آن حوالی فوراً در کنار بستر متصاعدالی الله حاضر شده به السنه عربی و انگلیسی چندین مناجات تلاوت نمودند. این منظره یک وحدت و یگانگی بین المللی بهائی را

به نحو تکان دهنده و مملو از محبت و عطوفت فوق العاده در یک دوره از حوادث غیر مترقبه نشان میداد. مخصوصاً حالت موثر و متأثر بهائی مصری که پیشانی خانم بیلی را اشک ریزان بوسیده مفارقت نموده و گفت "خانم بیلی شما را بخدا بسیاره" قابل توجه و تذکر است.

حضرت ولی محبوب امرالله بعد از اطلاع از صعود امه الله الا بیلی که همراه من و خانواده ام به شمال آفریقا مهاجرت کرده بود تلگراف تسلیت مخابره فرمودند. مراسم تدفین بیوم هفتم آگست موکول شد در روز موعود جلسه تذکر دوم در قبرستان دولتی منعقد گردید. آنشب در حضور احباء جمعاً آرمگاه خانم بیلی را در طاقچه دیوار قبرستان قرار دادند. چند روز بعد در مشرق الاذکار غرب اعضای محفل مقدس روحانی ملی آمریکا برای ارتقاء روح خانم بیلی به مقامات بالاتر در ملاء اعلی دعا کردند.

در حقیقت سنگهای قبور قبرستانهای دنیا بهترین گواه بذل مساعی قابل توجه امه الرحمن آمریکائی در امر مبرم مهاجرت به اقصی نقاط عالم است. این سنها با زبان بی زبانی به ما از مارتسا روت بی شبهه تمایل در وسط اقیانوس کبیر و آزمی مکسول قسوی الاراده در آرژانتین و از کیت رنسم که لرقهرمان در حواری سلطان الشهداء و محبوب الشهداء در اصفهان و از لواگتسنیگر و اودان در حواریعظم ترین دانشمندان عالم بهائی (جناب ابوالفضائل) در قاهره و در حال حاضر الا بیلی دلبر مشرف به سواحل شمال آفریقا و متبرک کننده آن سامان سخن میگویند. خضوع و خشوع فطری خانم بیلی مانع از این شد که عریضه ای حضورت حضرت ولی امرالله بفرستند ولیکن حضرت شوقی ربانی بخوبی به ارزش معنوی و عظمت واقعی این بانوی شگفت انگیز واقف بودند. هیچکدام از دوستان و یاران اقوام ایشان با اندازه حضرت ولی امرالله بمقام روحانی ایشان پی نبرده بود و برای مادر محل مهاجرتی این امریکایی دلیل اضافی

درعین حال غیر لازم از ملهم بودن مولای عزیز ما بود .

حضرت ولی امرالله از سه نفر از احبای آمریکائی مقیم آن سامان خواستند که طرحی برای آرامگاه خانم بیلی تهیه کنند و اظهـار امیدواری فرمودند که روزی این آرامگاه در گلستان جاوید مستقر خواهد بود . و حضرتشان شخصا تقبل پرداخت هزینه ایجاد این آرامگاه را نمودند . حضرت ولی امرالله خانم بیلی را در ردیف عالیقدرترین مبلغین عالمبھائی فوق الذکر و دو نفر دیگری بنام ماریون حکا که مساعی مداوم ایشان سرمشق شایسته دیگران است و دیگری ایادی امرالله دوروتی بیکر که مواهب فوق العاده ایشان در امر میرم بتبلیغ بی نظیر و روح تابناک ایشان پیوسته الهام بخش آنان که با ایشان آشنا بودند میباشد قرار دادوند .

با ترک سروسامان و فدا نمودن حیات دنیوی در سبیل اعتسالی امرالله الا بیلی شایسته تملک تاج و هاج شهادت گردید . حضرت ولی محبوب امرالله ضمن تلگرافی که در خاتمه سال مقدس خطاب به کنفرانس بین القارات منعقدہ در دھلی نو مخابره فرمودند : " مساعی کم نظیر خانم بیلی در سبیل خدا در روحانی جهانسی را ستوده ارتقاء مقام ایشان بمقام شهادت را اعلام و مضمون بقیسه تلگراف مشعر بر این بود که روح پیرفتوح آن متصا عدالی اللسه جامعہ بھائی آمریکا را تابناکتر و سرزمین آفریقا را کہ بسرعت در حال انتباه می باشد متبرک نموده است . "



## اهم اخبار جامعہ نجی بھائی

کانادا - ایادی امر اللہ جناب حلال خاضع در شہر تورونتو (انتاریو - کانادا) ۲۱ فوریه صعود فرمودند۔ جناب ایشان در ۷ دسامبر ۱۹۵۳ زمانی کہ در ایران بودند سمت ایادی امر منصوب گشتند و قبل از آن عضویت محفل روحانی ملی ایران را داشته در امر تبلیغ فوق العادہ فعال بودند۔ در انجمن شور روحانی ملی آسیای شمال شرقی کہ اول آپریل ۱۹۵۷ در توکیو منعقد گردیدہ نمایندگی حضرت ولی امر حضور یافتہ بعد از انجمن در ژاپن و کرہ و تایوان و ہانگ کانگ و برما و پاکستان بہ سیر و سفر پرداختند و در سال ۱۹۵۸ در سراسر اروپا سفر نمودند۔ از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۳ جزو ہیئت ایادی امر اللہ مقیم ارض اقدس و از ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸ در آمریکا ایادی جنوبی خدمت کردند۔

۱۹۶۹ بہ طهران مراجعت فرمودہ در کار تبلیغ و وظائف حمایت در ایام دشواری شرفت امر مساعدت نمودند۔ در تابستان ۱۹۷۳ جناب خاضع با وجود علت ضعف جسمانی بہ یک سفر دور دنیا ہمت گماشتہ در ہندوستان و ژاپن و آلاسکا و کانادا و ایالات متحدہ آمریکا و سویس بہ سیر و سفر پرداختہ در ۱۹۷۴ بہ ممالک آمریکای جنوبی و جزائر کارائیب در اقیانوس اطلس تشریف بردند۔ سال ۱۹۷۸ در انجمن شور روحانی بین المللی در حیف حضور یافتند مدتی بعد از انقلاب ۱۹۷۹ کہ آزار و اذیت بیہائیان شروع شدہ بود جناب خاضع موفقی شدند با دختر خود نورا بہ پاکستان راہ یافتہ سہ ماہ در آن کشور توقف نمایند۔ در نوامبر ۱۹۸۴ موفق شدند با دختر خود کہ پرستاری پدر پیرو علیل را بعہدہ داشت بہ کانادا رفتہ در تورونتو نزد پسر خود منصور بودند تا بہ سن نود و سہ (۹۳) رسیدہ صعود فرمودند۔ مراسم تشیع و تدفین ایادی امر اللہ در یک بعد از ظہر ۲۷ فوریه در تورانتو با شرکت قریب دو بیست الی دو بیست و پنجاہ (۲۰۵-۲۰۰) تن نفوس برگزار شد۔ مناہات بسہ زبان فرانسہ و انگلیسی و فارسی

تلاوت گردید. دکتر حسین دانش عضو محفل روحانی ملی کانادا  
نطق مختصری ایراد نمود.

هنگام شب محفل تذکریه یا جناب خاضع در سالون بزرگ مرکز علمی  
انتاریو (Ontario Science Center) منعقد و قریب  
پانصد نفر حضور یافتند. علاوه بر نواختن موسیقی نوآرکستهای  
از دونطق ایادی امرالله و اسلایدهای از او اخرایام جناب خاضع  
نشان داده شد.

پاکستان - طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی پاکستان ۲۷  
فوریه بارض اقدس واصل شده طی یک نقشه تبلیغی در آن کشور که ۲۳  
فوریه بیانتهار رسید و شصت و نه (۳۶۹) نفر اقبال با مر نمودند  
و در بین مومنین جدید افرادی مسلمان و هندو و از فرقه احمدیه بودند  
بعلاوه هفتاد و پنج (۷۵) مرکزهای تاسیس شد. دو محفل روحانی  
محلی تشکیل گردید که در یکی از آن دو تمام اعضاء سابقاً از فرقه  
احمدیه بوده اند. نکته قابل ملاحظه اینست که در این نقشه عده  
کثیری نسوان در ظل امر وارد شدند و مجموعاً صد نفر نسوان جزو مومنین  
جدید میباشند.

آفریقا - پنجاه تا هشتاد درصد محصولات غذایی در آفریقا توسط  
نسوان تهیه میشود. دفاتر نمایندگی سازمان ملل متحد در  
نیویورک چون فکر میکردند بقدر کافی از زنان آفریقائی حمایت  
نمیشود هیئت‌هایی با اسم "مدافعین تامین غذا در آفریقا" تشکیل  
دادند. این هیئت‌ها از ائتلاف سازمانهای غیردولتی و گروه‌های  
مذهبی تشکیل شده جامعه بین المللی بهائی از ابتدایکی از آن  
گروه‌های مذهبی بوده و در سال جاری وظیفه تشکیل جلسات رابعه  
دارد.

استرالیا - جوانی نوزده ساله از استرالیا به نام گلن دونگان  
(Glen Duncan) که یک سال در مرکز جهانی امر خدمت کرده بود در  
پایان خدمت ماه فوریه عازم سیروسفر در بین ملل اروپای شرقی

گردیده اکنون که به استرالیا برگشته از تحریبات خود چنین میگوید:  
 ملل اروپای شرقی استعداد قابل توحهی نسبت به امر حضرت  
 بهاء الله دارند و سفر خود را بدین نحو تشریح میکند: " تحریبه ای  
 با ورنکردنی در زندگی من " ، " در هر قدم تائیدات الهی را احساس  
 میکردم و هر جا که میرفتم نفوسی در جستجوی حقیقت بودند " .

در یکی از بلاد یوگوسلاوی ( Yugoslavia ) جوان مزبور در هتل  
 اقامتگاه خود به جوان دیگری از هموطنان برخورد کرده و  
 از آن شهر کثیف و متروک شکایت میکند . گلن عکسهای که از سفر  
 خود و از حیفا و ارض اقدس داشت با و نشان داد . وقتی آن جوان  
 عکس یک گروه جوانان از نژادها و ملل و فرهنگ های مختلف را که  
 در ارض اقدس خدمت میکنند مشاهده کرد مدتی با آن خیره شده اخمش به  
 لبخند تبدیل شده گفت " لطفا بیشتر راجع باین دیانت خود برایم  
 تعریف کن " مدت نیم ساعت راجع با مریا یکدیگر صحبت کردند . آن  
 جوان دریایان گفت " آن چهره های بشاش جوانان از اطراف و  
 اکناف عالم حیرت انگیزترین چیزی است که دیده ام " .

گلن بدین خانم با زنشسته که سابقا بیروفسور زبان بود رفت و آن  
 خانم اظهار داشت وقتی جوان بوده میخواست راهبه شود ولی محیط  
 کمونیست او را تغییر داده بیدین کرد . علاقه مند بود بیشتر راجع به  
 امرهایی بیاموزد زیرا محدودیانت را در زندگی خود میخواست .  
بلیز - طبق رایورتنی که از محفل روحانی ملی بلیز ( Belize )  
 کشوری در آمریکای مرکزی ۲۱ فوریه با ارض اقدس واصل شده جناب  
 عزیزبیدی در شهر بلیز ( Belize City ) قلوب یاران را با  
 بیانات خود راجع بحضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء و بعضی از  
 تحریبات خود در آفریقا مسرت و انبساط بخشیده آنان را مشتاق نمود  
 در سال جاری قیام کرده رویای بیت العدل اعظم را راجع به اقبال  
 دسته جمعی نفوس در کشور بلیز تحقق بخشند . یک احتفال عمومی  
 در شهر بلیز منعقد گردید و دو کنفرانس تبلیغی تمام روز یکی برای

دوستان جنوب و مغرب در بلومپان (Belmopan) پایتخت کشور  
و دیگری برای بلایزونا حیه شمالی در شهر بلایز ترتیب یافت. بیش  
از سیصد تن بهائیان در این دو کنفرانس شرکت کردند و موضوع "مفتاح  
اقبال گروهی" (The key to entry by troop) بود. اخبار  
تشریف فرمائی جناب یزدی و تعالیم بهائی در حرائد و بوسیله مصاحبه  
در رادیو و تلویزیون منتشر گردید.

برزیل - در برزیل بابتکار جامعه بهائی هیئتی با اسم "انجمن  
مربیان برزیلی برای صلح" تشکیل گردیده و این هیئت موفق شده  
است در سه شهروسیع داخلی ایالت آمازون سمینار صلح دائر نماید  
در این سمینارها هفتصدالی هشتصد (۷۰۰-۸۰۰) نفر معلمین دبستان  
جمع شده بیانیه صلح بیت العدل اعظم برایشان تشریح میگردد و یک  
لوح یادبود مفرغی مشاهده میکنند که روی آن این عبارت حک شده  
است: "گره ارض وطن واحد نوع بشر اهل آن - بهاء الله".

رومانی - فعالیت بهائی در کشور رومانیای پیشرفت عظیم حاصل  
کرده. مهاجرین محصل از آلمان به ترویج و اعلان امر و انعقاد  
جلسات تبلیغی برای علاقه مندان همت گماشته اند و اطلاع میدهند که  
اقبال نفوس با مرحضرت بهاء الله دائماً در جریان است. در شهری  
با اسم کلوج (Cluj) هفده نفر مومنین جدید تسخیل شده از محفل  
روحانی ملی آلمان اجازه خواسته اند محفل روحانی محلی تشکیل  
دهند و در شهر دیگری هفده نفر مومنین جدید تسخیل شده در صد تهییه  
حظیره القدس هستند.

هندوستان - یک مشاور قاره‌ای، سه عضو هیئت معاونت و سه عضو  
شورای ایالتی و قریب سی و پنج (۳۵) مبلغ سیار برای یک کنفرانس  
فتح و ظفر مجتمع شده تصمیم گرفتند که نقشه از سه نهضت تشکیل شود:  
نهضت اول اقبال گروهی است.

نهضت دوم ایجاد وسائل لازم برای عملیات دائمی تبلیغی است.  
نهضت سوم ایجاد محافل روحانی محلی است که از ابتدا قوت و قدرت  
کافی داشته باشند. مساعدین اعضاء هیئت معاونت در تمام نواحی

تعیین میگردند. نقشه‌های تبلیغی محلی یا تشریک مساعی لحنه‌های محلی و مساعدین اجرا میشود.

۲- طبق رایورتنی که از شورای ایالتی اریسا ۲۷ فوریه بارض اقدس واصل شده، ۱۵۰ زانویه اقداماتی تحت عنوان نقشه تبلیغی ورقا در ایالت اریسا و سندوستان شروع شد، برای این مقصود بهائیان به چند مدرسه در شهر بولانگیر (Bolangir) رفته چهار روز نمایشگاه کتاب دائر کردند. در نتیجه چندتن از معلمین و قریب شصت (۶۰) نفر محصلین در ظل امر وارد شدند. بیش از یانصدتن نفوس از طبقات مختلف مردم بدیدن نمایش کتاب آمدند و در نتیجه چهل و یک (۴۱) نفر از بیا زدید کنندگان نمایشگاه ایمان خود را حضرت بهاء الله اظهار داشتند. بلافاصله محفل روحانی محلی بولانگیر انتخاب شد که اعضاء انتخاب شده بیشتر جوانان هستند.

ایالات متحده آمریکا - ۲۷ فوریه روز بعد از انتشار رایورتن مصائب بهائیان بزرگترین اقلیت مذهبی در ایران مجلس شورای ملی در ایالات متحده آمریکا با اتفاق آراء آزاد شدن بهائیان ایرانی را از حبس طلب نمود. این پنجمین دفعه است که مجلس شورای ملی ایالات متحده از طهران خواسته است آزار و اذیت بهائیان را باینتها رساند. انتظار میرود مجلس سنا نیز همین کار را بکند.

برزیل - ۱- کتابچه‌ای تحت عنوان بهائیان و دیوار برلین (The Bahais and the Berlin Wall) که بین تمام حوامع بهائی در برزیل توزیع گردید اکنون بین اولیای امور و پیشوایان قوم منتشر میگردد. در این کتابچه ارتباط وقایع اخیر در آلمان شرقی و تغییراتی که در عالم بوقوع پیوسته با موضوعهای عمده بیانیه صلح ذکر شده جنگ و خلع سلاح و تعصب وطنی و نژادی و نزاع و جدال مذهبی با توجه بوقایع اخیر تجزیه و تحلیل میشود.

۲- اخبار واصله از آلورا دآ (Alvoradora) برزیل حاکی

است که بیش از ششصد (۶۰۰) نفر مومنین جدیداً مرحضرت بهاء الله اقبال نموده اند. تحکیم و فتوحات حاعله و توسعه عملیات هم آهنگ با یکدیگر پیش می‌رود.

آرژانتین - کنفرانس یا دیویدینجا همین سال صعود می ماکسویل ( May Bolles Maxwell ) از ۲۷ فوریه تا اول مارچ در آرژانتین منعقد گردید و دختر آن متصاعدالی الله امه البهار وحیه خانم بعنوان مهمان اصلی در کنفرانس شرکت نمودند.

شرح کامل این کنفرانس در شماره آینده جداگانه درج خواهد گردید. ایرلند - اخیراً در شهر دوپلین پایتخت ایرلند کنفرانسی منعقد گردید که بیش از صدوسی نفر رجال و نساء از طبقات و قسمتهای مختلف کشور شمال و جنوب در آن شرکت کردند. موضوع پیشرفت هم آهنگ مردان و زنان و نقش زنان در ایحاد صلح بود.

موضوعهائی که مورد توجه واقع شد عبارت بود از: "زنان در دیانت" ( Women in Reigion ) و "زنان و مردان در خانه" و "زنان و مردان در محل کار" و "زنان و صلح" از بهائیان دعوت شده است در کنفرانس آتی به راجع به تساوی رجال و نساء که در ایرلند شمالی منعقد می‌گردد شرکت نمایند.

کنسیا - هفتمین کنفرانس ملی سالیانه نسوان در کنسیا ۸ تا ۱۱ فوریه در شهر ناکورو ( Nakuru ) منعقد گردید. موضوع کنفرانس در سال جاری "نسوان و سوادداشتن" بود و مباحث مختلف از جمله "زندگی فامیلی بهائی" و "برنامه ریزی فامیلی بمسوحب نصوص" و "حقوق الله" و "شرح حیات بهیه خانم" و غیره مورد توجه واقع شد.

آلمان شرقی - محافل روحانی محلی و افراد بهائی در آلمان غربی یا شهردارها و سایر اولیای امور در آلمان شرقی تماس برقرار کرده اند و باسانی اجازه گرفته اند مراکز اطلاعات در شهرها تاسیس نمایند. متحریران حقیقت مرتباً بدفتر ملی بهائی بهائوسی در

آلمان غربی برای کسب اطلاعات رجوع میکنند. فوریه نامه‌ای از یک نفر رسیدم شعر بر اینکه اخیراً یک جزوه بهائی دریافت کرده و بعد از خواندن آن به عضویت در جامعه بهائی علاقه مند شده است.

**شیلی** - بعد از کنفرانس ملی تبلیغ که از ۲۰ - ۲۱ ژانویه در سانتیاگو پایتخت کشور شیلی منعقد شده بود جوانان یک نقشه تبلیغی بمدت یک هفته اجرا نمودند که در آن سی جوان از شیلی و برزیل و او روگوئه و ایالات متحده آمریکا شرکت کرده رسماً سه سال مهاجر (Muhajir Year) را شروع نمودند. در پایان کنفرانس یک احتفال عمومی با حضور صدوریست (۱۲۰) نفر منعقد گردید که در آن جمعا صد و پنچ (۱۰۵) نفر مومنین جدید از پنجم جامعه تسخیل شدند. این رایورت از محفل روحانی ملی شیلی ۱۵ مارچ یا رض اقدس واصل شده است.

**بنگلادش** - در ناحیه‌ای از کشور بنگلادش که صدها نفوس ایمان آورده پنج قریه یا مربهائی فتح شده بود ۲ فوریه چند تن مبلغین سیارهائی بمنظور تکمیل تزئید معلومات مومنین جدید قریه‌ای در آن ناحیه رفته یک کنفرانس قبیله‌ای در فضای آزاد منعقد کردند. مومنین جدید یا بهائیان قدیمی مخلوط شده اقبال خود را با مرالله حسن گرفتند و با چشم خود وحدت نوع بشر را مشاهده کردند. در روز کنفرانس بهائیان قبیله یا منسوبین و دوستان غیر بهائی خود مرد وزن بیرو جوان پیاده ۱۲ کیلومتر راه آمده در جشن شرکت نمودند کنفرانس با مناخات و پیامی از محفل روحانی ملی شروع شد و با چند نطق کوتاه راجع با مر و تعالیم بهائی و در ضمن نواختن موسیقی ادامه یافت. بعد از برنامه رسمی در ضمن ترانه ورقص هسای قبیله‌ای دو بیست و بیست و هفت (۲۲۷) نفر از بین مهمانان در ظل امروا رد شدند و قبل از آنکه کنفرانس خاتمه یابد تقریباً تمام (۷۰۰) نفر حاضرین بهائی بودند. بعد از صرف غذا کنفرانس خاتمه یافت ولی یاد آن در قلوب حاضرین باقی خواهد ماند و بشارت ظهور

بهاء الله در میان مردم مستعد قبیله منتشر خواهد شد .

یوگوسلاوی - دسته نوازندگان الوینتوکانتا (رجوع شود به اخبار بین المللی بهائی شماره ۲۱۶) از ۱۲ تا ۱۹ ژانویه در دو شهر کشور یوگوسلاوی چند برنامه اجرا نمودند . بعد از هر کنسرت چند از بین جمع ایستاده بانوازندگان راجع به تعالیم بهائی صحبت کردند و اساسی اشخاصی که میخواستند اطلاع بیشتر راجع با مراحل کنند در کتابچه ای ثبت گردید .

از ۲ تا ۱۶ فوریه دسته نوازندگان به لهستان رفته درشش شهر و دو دفعه در پایتخت کشورشهر ورشو برنامه اجرا کردند سه جلسه تبلیغی منعقد گردید و در هر کدام چند نفر در ظل امر وارد شدند . در لهستان افراد از سنین مختلف شامل جوانان و اطفال میخواستند راجع به تعالیم بهائی بشنوند .

اکوادور - طبق راپورت محفل روحانی ملی که ۱۴ مارچ بپاریس اقدس واصل شده مراسم یادبود همین سال رحلت ایادی امرالله دکتر مهاجر که ۲۹ دسامبر ۱۹۷۹ در کشور اکوادور - آمریکای جنوبی صعود فرمود تحت عنوان کنفرانس بین المللی برای دوستان دکتر مهاجر در همان کشور برگزار شد .

قسمت حالب کنفرانس تلاوت مناجات بمرقدمتصاعدالی الله بود که صبح ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ انجام گرفت . قرینه محترمه ایران خانم مهاجر و دخترش گیسوباسا اعضاء خانواده مهمان مخصوص کنفرانس بودند .

هنگام شب نیز احتفالی عمومی منعقد گردید که موضوع "تعلیم و تربیت بسوی صلح" ( Education Toward Peace ) مورد بحث بود . خانم مهاجر پیام بیت العدل اعظم را در تبریر بسط و توسعه نقشه تبلیغی که منجر به تبلیغ گروهی بخصوص در نواحی بومی اکوادور گردد ابلاغ نمود . هشتاد و پنج نفر قیام نمودند که قسمتی از این نقشه را اجرا نمایند از جمله سه جوان یک سال از دوران تحصیل خود

را وقف این خدمت کردند .

اولین رایپورت از نقشه تبلیغی فوق الذکر که ۲۰ فوریه در سه ناحیه شروع شد حاکی است که ۱۴۱ نفر مومنین جدید جوانان و بزرگسالان با مرحضرت بهاء الله ایمان آورده اند .

**فیجی** - جناب عزیز یزدی و سرکار ثریا خانم از ۱۸ تا ۲۹ نوامبر ۱۹۸۹ در جزایر فیجی با اعلان و ترویج امر الله مبادرت نمودند محفل روحانی محلی در شهر لائوتکا (Lautoka) احتفالی برای اعلان امر ترتیب داده نفوس مهمه صاحبان مقام دولتی و شغل تجارتی و نمایندگان فرقه های مذهبی محل را دعوت نمودند یکی از ناطقین شهردار سابق لائوتکا بود که تازه بهائی شده و راجع به مندرجات بیانیه صلح صحبت کرد .

لیله معود حضرت عبداله بهاء جناب یزدی با بیان تحریبات خود از حضرت عبداله بهاء حاضرین را جان تحت تاثیر قرار داد که میگفتند عبداله بهاء را در بین خود احساس میکنیم .

**نیجریه** - نغشای تبلیغی در دانشگاه یکی از بلاد نیجریه ۱۵ تا ۱۹ ژانویه اجرا شد که نام آن را نقشه تبلیغی "مهاجرو دانشگاه" گذاشتند و منظور آن ارائه "وعده صلح جهانی" به کارمندان ارشد و انعقاد جلسات تبلیغی برای ابلاغ امر در نمایش سالانه کتاب بود . شش نفر مومنین جدید در ظل امر وارد شدند و سه نفر دیگر علاقه مند به مطالعه راجع با مربهای گشتند . قریب پانصد نفر دانشجویان در جلسات تبلیغی حضور یافتند یک جوان اولین مسلمان بود در دانشگاه که در جلسه تبلیغی حاضر شد و در یک خانواده مسیحی تولد گشته بعدا مسلمان شده بود و اصل وحدت ادیان نظرا و راجع طلب نموده بود .

**ترکیه** - طبق رایپورتی که ۲۲ مارچ از محفل روحانی ملی به ارض اقدس واصل شده جهل و سه (۴۳) جوان بهائی از ترکیه سفری به ادرنه نموده بیت حضرت بهاء الله را زیارت کردند و از باغ آن سبب

جیدند و دریایان سفر به جمهوری سان مارینو (San Marino) شمال ایتالیا برای شرکت در کنفرانس جوانان ماه جولای رسیدند. مشاوره‌های سهراب یوسفیان اظهار داشت: این اولین بار است که گروهی از ترکیه در کنفرانس بین‌المللی شرکت میکنند. ترکیه و بهائیان ترک در امریهایی اهمیت بسیار دارد و عشق و فداکاری روحانی اقبای ترک نمونه است.

**هندوستان** - طبق اطلاع حاصله هفته دوم ماه مارچ در اثر نقشه تبلیغی که در تاملیل نادو توسط سیزده جوان بهائی اجراء گردید، تعداد (۱۲۰۰) هزار و دو بیست نفر مومنین جدید در ظل امر وارد شدند.

### اخبار امری مربوط به کشوریلی

#### گزارش اختصاصی از کشوریلی

##### از جناب فرشید یوسفی

- ۱- اجازه برنامہ تدریس امریهایی در کلیه مدارس شیلی پس از سالها کوشش محفل روحانی ملی از طرف دولت در ماه جون ۱۹۸۹ تصویب شد. شیلی اولین کشوری است که برنامہ امریهایی را در مدارس سراسر کشور بر رسمیت شناخته.
- ۲- در ماه ژانویه و فوریه در یکی از پروژه‌های تبلیغ دسته جمعی در جنوب شیلی در بین بومیان آن منطقه حدود ده نفر از جوانان حدود یک هفته شرکت کردند و ۱۰۵ نفر تصدیق امر نمودند.
- تقریباً همزمان در شهر Rancagua رنگا گوا در مدت پنج روز حدود شش نفر از جوانان موفق شدند صفت نر را با مر حضرت بهاء‌الله هدایت نمایند. خانم شهناز را سخ عضو هیات معاونت از او رو گوئه برای راهنمایی و شرکت در ایسن برنامہ بشیلی سفر کردند.
- ۳- برنامہ رادیوبهائی در محل سرخپوستان روزانه حدود ۱ ساعت برنامہ‌های فرهنگی و خدمات اجتماعی و امری و تزئینی— معلوما تی اجراء میکند و حدود سیصد هزار نفر شنونده دارد.

۴- در ماه اپریل در یک سفر تبلیغی دونفر از احیای ایرانی به همراهی یکی از مبلغین بر حسته امرالله که گوینده رادیو و تلویزیون میباشد از سه شهر جنوبی شیلی بناهای طالبکا- لوس آنجلس- وکن سپسیون Concenpeon بمدت پنج روز ادامه یافته و موفق به ملاقات احیاء و اجرای برنامه های تبلیغی گشتند.

در طول این چند روز موفق شدند در برنامه های رادیوئی و مصاحبه های روزنامه ای و تلویزیونی که تا حدود یک ساعت ادامه داشت و کنفرانسهای عمومی تبلیغی شرکت نمایند.

در یکی از برنامه های مصاحبه رادیوئی که زنده پخش میشد گوینده رادیو که حدود سه سال قبل از امربهای مطلع شده بود ضمن پخش برنامه تصدیق امر مبارک نمود و بدریافت کتاب و شمائل حضرت عبدالیهاء نائل گشت.

جلسات عمومی و تبلیغی که عموماً در محلهای عمومی برگزار شده بود با جلسات تبلیغی خصوصی در منزل احیای الهی تا بعد از نیمه شب ادامه پیدا کرده و منتهی به تصدیق چند نفر شده و عده ای مشتاق امر و مطالعه بیشتر گشتند.

۵- مدارس شیلی: شیلی دارای سه مدرسه بهائی میباشد در پایتخت سانتیاگو مدرسه نور که حدود ۴۸ نفر شاگرد دارد. دو مدرسه در جنوب شیلی و محل بومیها بنام مدرسه فیضی و دکتر مهاجر وجود دارد که در تربیت و تعلیم نونهالان بهائی و اکثر غیربهایسی بسیار موفق میباشند.





۱- از چپ بر راست میس الام . بیلی  
. امه الله بهیه خانم گولیک، (فرج الله زکی الکردی)



با تشکر از امه الله خانم بخشنده گی دوارسال عکس کلاس مشق نطق  
دختران در حضور ایادی موالله جناب طراز الله سمندری (امشهد ۱۰۸ بدیع)

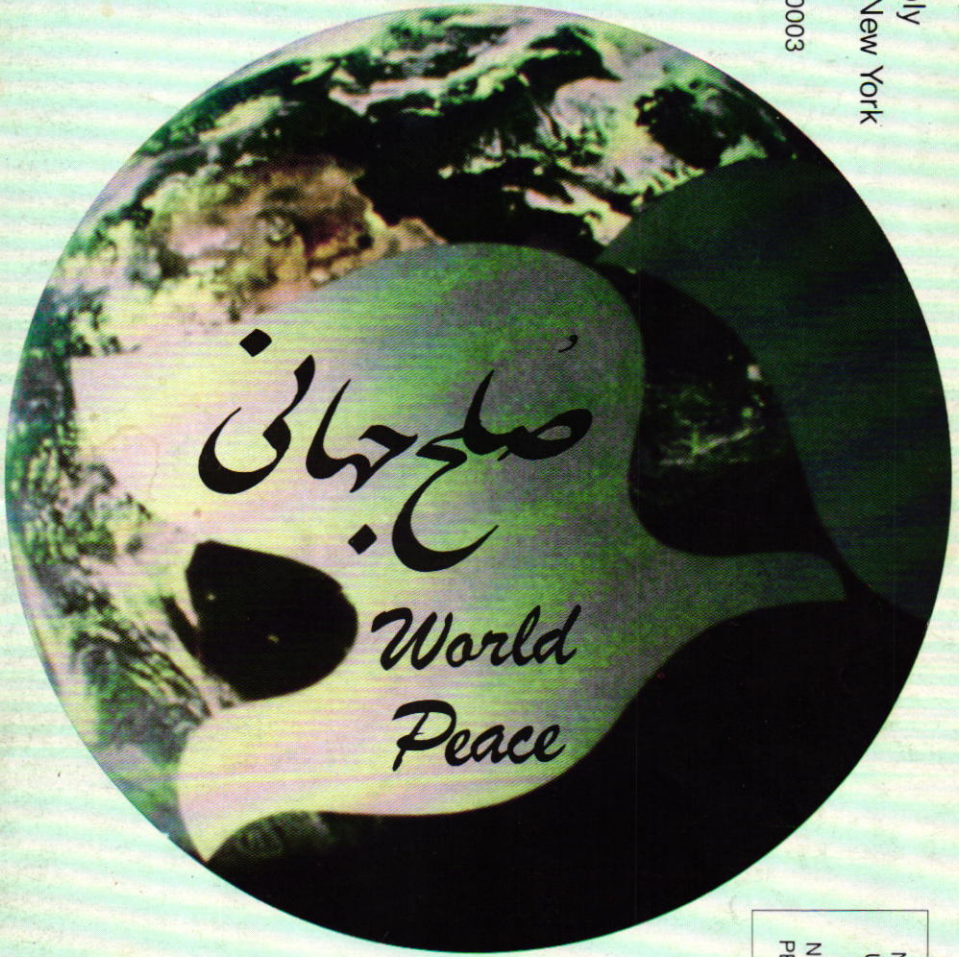


با تشکر از امه‌الله خانم مهین وفائی در ارسال عکسی از کنفرانس کامیالا از راست به چپ ایادیان عزیز ام‌الله جناب طراز الله سمندری جناب الینگا ، امه‌البهاء روحیه خانم ، جناب منجوانی ، جناب ابوالقاسم فیضی ، جناب جان روباوتر

با سپاس فراوان از یاران عزیز استحضار در رد صورت امکان  
 با ارسال عکسهای کمیته آورگن شده شد ، برای قسمت  
 "عکسها و یادها ... " بر "پیاپی" منت بگذارند .

# PAYAM-I-BADI

The Spiritual Assembly  
of the Bahá'ís of the City of New York  
53 EAST 11th STREET  
NEW YORK, NEW YORK 10003



Non-Profit Org.  
U.S. POSTAGE  
**PAID**  
NEW YORK, N.Y.  
PERMIT No. 5101